



**پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران
با تاکید بر مدیریت نرخ ارز**

۱۴۰۲
شهریورماه

گزارش شماره (۳)



پیشگفتار:

اقتصاد کشورمان برای چندین سال است که دچار رکود تورمی شده است. بروز رکود تورمی با چندین چالش اجتماعی و اقتصادی همراه بوده و اقتصاد کشور را از مسیر توسعه دور کرده است. به نظر می‌رسد مهمترین عامل چنین وضعیتی در اقتصاد ایران، تحریم‌های اقتصادی باشد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی نقش غیر قابل انکاری در رشد و مهار تورم در ایران داشته است. وجود سهم بسیاری بالای درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران سبب شده است که اقتصاد کشور با وجود پتانسیل و ظرفیت‌های بالای اقتصادی، یک اقتصاد تک کالایی محسوب شده و با تحریم‌های نفتی، قدرت اقتصادی کشور به شدت تضعیف شود. در این راستا، اهمیت توجه به صنعتی سازی کشور و متنوع کردن سبد صادراتی می‌تواند مهمترین راه حل موجود برای تقویت اقتصاد باشد. وجود اقتصاد وابسته به نفت سبب شده است تا تمامی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور حول درآمدهای حاصل از آن باشد و به همین جهت نیز با عدم تحقق درآمدهای نفتی، وضعیت بودجه‌ای دولت همواره دستخوش تغییر شده و شوک‌های منفی که همواره بصورت کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم بوده است، نمایان شده است. این در حالی است که اگر سبد متنوعی از صادرات وجود داشته باشد، ریسک کاهش درآمد ارزی کشور کاهش یافته و برنامه ریزی در راستای داشتن یک اقتصاد قدرتمند و قابل برنامه ریزی، حاصل شده و بسیاری از مشکلات کشور حل می‌شود.

با وجود مبرهن بودن اثرات مفید صادرات متنوع غیر نفتی بر اقتصاد کشور، توفیق چندانی در این راستا نگرفته است. این گزارش درصدد است تا با بررسی عواملی که سبب شده‌اند تا وضعیت تولید و صادرات در کشور صدمه ببینند شناسایی شده و راه‌حل‌های موثر برای تقویت صادرات غیر نفتی ارائه شود. گزارش شماره (5) با استفاده از دو رویکرد به بررسی موانع موثر بر صادرات غیر نفتی پرداخته است. در وهله اول ابتدا به بررسی نظرات اساتید دانشگاهی و گزارش‌های علمی پرداخته شده و 10 فاکتور موثر بر عدم توسعه صادرات غیر نفتی شناسایی شده است. در گام بعدی با مصاحبه از صادرکنندگان استان آذربایجان شرقی 10 مانع مهم شناسایی شده در گام اول را الویت بندی نموده‌اند. بعد از مشخص کردن اهمیت موانع، به بررسی آماری هر یک از موانع و شواهد تجربی آن پرداخته شده است. مصاحبه و شواهد آماری نشان می‌دهد که نرخ ارز عامل بسیار مهمی در عدم پیشرفت صادرات غیر نفتی است و داشتن یک دید مناسب علمی و صحیح نسبت به نرخ ارز می‌تواند اقتصاد کشور را در راستای رسیدن به توسعه اقتصادی یاری رساند.



رئیس شورای راهبردی مرکز پژوهش‌های اتاق

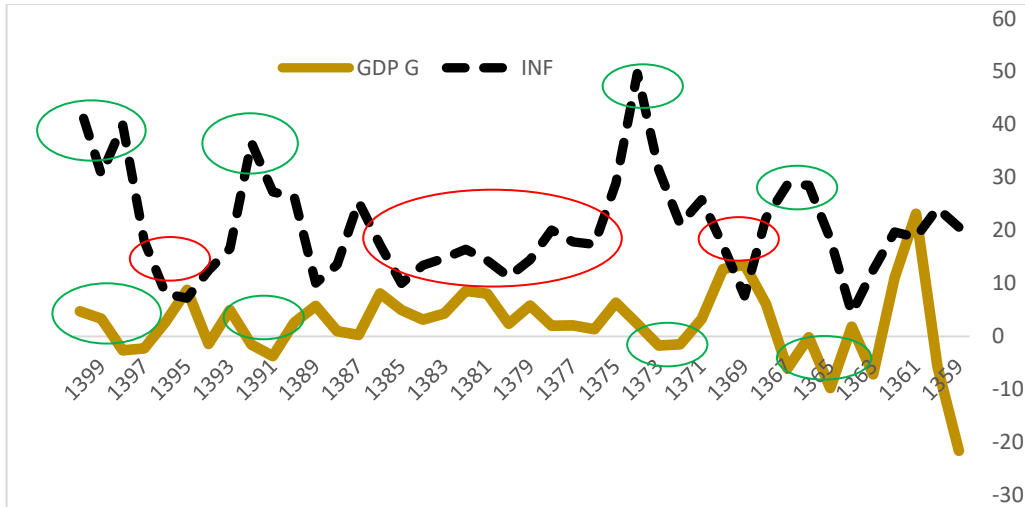
بازرگانی تبریز

سید باقر شریف زاده

ارتباط تورم و رشد اقتصادی در ایران

مهمترین ویژگی یک اقتصاد سالم، داشتن تورم اندک و رشد اقتصادی مناسب است. اقتصاد ایران برای سال‌ها است که تورم‌های ماندگار و رشد اقتصادی نامناسبی را تجربه می‌کند. در این راستا بررسی عواملی که بر این دو متغیر تأثیرات مثبت و منفی معنی دار دارند؛ بسیار حائز اهمیت است. قبل از پرداختن به این موضوع که چه عوامل مهمی بر این دو متغیر اثرگذار هستند، ذکر این نکته ضروری است که ارتباط دو طرفه مابین رشد اقتصادی و تورم وجود دارد و طبق تجربیات اقتصادی، تورم بصورت نامتقارن بر رشد اقتصادی اثرگذار است. این اثر نامتقارن به این صورت است که تورم تا محدوده‌ای بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته و سپس منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

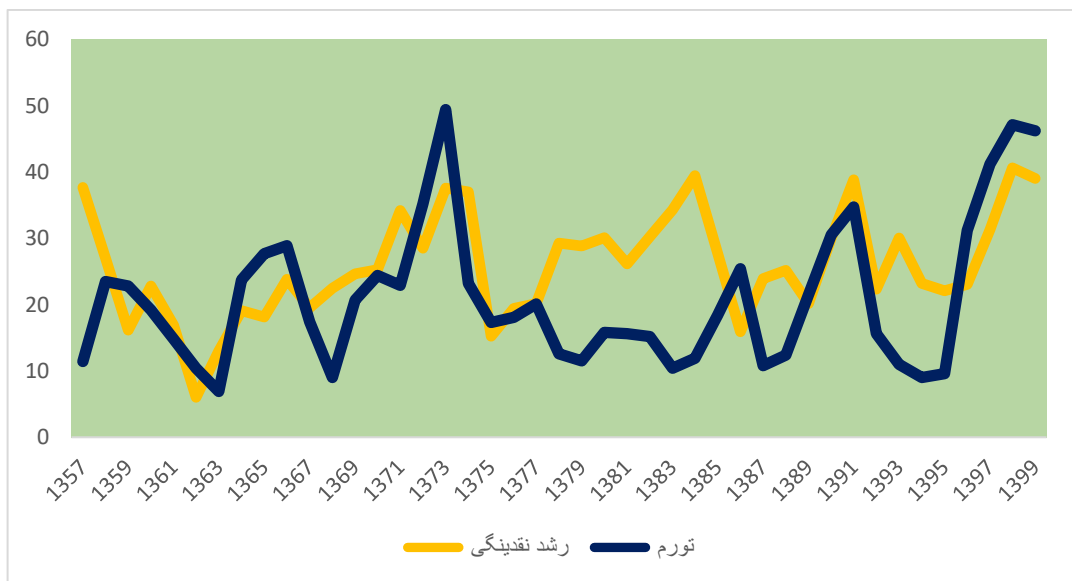
مرور آمارهای اقتصاد ایران حاکی از آن است که ارتباط تورم و رشد اقتصادی در بازه‌های زمانی مختلف دچار تغییرات متعددی شده است. با توجه به روند تورم در طی سال‌های 1359-1400 مشاهده می‌گردد که در طی 4 سال میزان تورم تک رقمی بوده است و طی این سال‌ها رشد اقتصادی مثبتی نیز تجربه شده است. نکته بسیار مهم که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که روند استمرار کنترل تورم در اقتصاد ایران پایدار نبوده است و دقیقاً یکسال بعد از تورم‌های تک رقمی جهش تورمی در اقتصاد ایران مشاهده شده است. این رویکرد می‌تواند ناشی از سرکوب مالی در سیستم بانکی باشد. به عبارت بهتر، با استفاده از نرخ بهره بالا می‌توان سهم شبه پول از نقدینگی را افزایش داد و اثرگذاری نقدینگی بر تورم را کاهش داد. از آنجایی که سیستم بانکی توانایی پرداخت بهره پول را ندارد، بعد از مدتی و با کاهش نرخ بهره بانکی منجر به اثرگذاری پول جاری و شبه پول دوره گذشته در تورم جاری شود. از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که تورم‌های دو رقمی مابین 10-20 درصدی پایداری بالایی داشته است



نمودار (1): روند تورم و رشد اقتصادی ایران

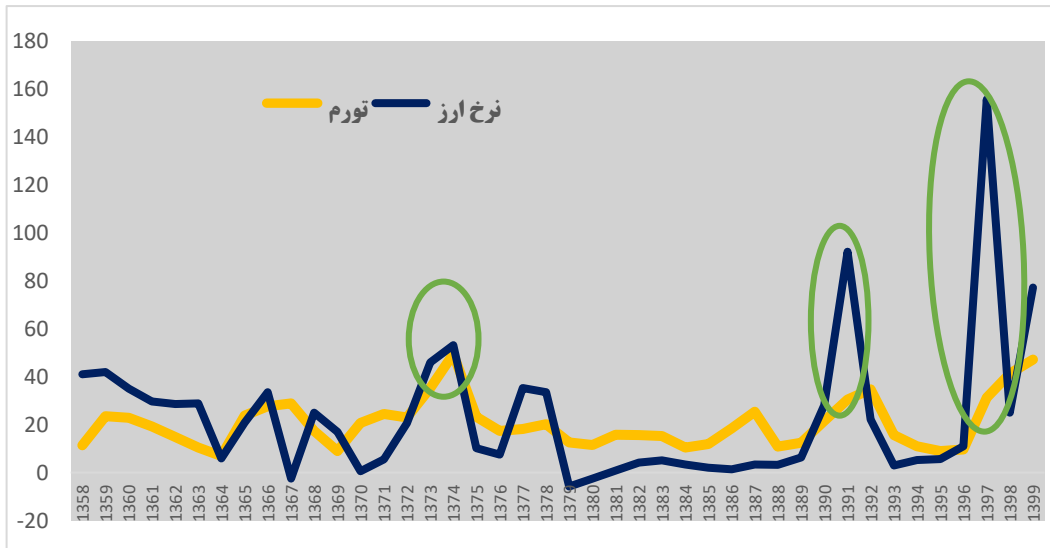
روند تورم دلالت بر آن دارد که در محدوده‌ی تورمی 15-20 درصدی، رشد اقتصادی کشور روند مثبت و پایداری را داشته است. از سوی دیگر، در زمان‌هایی که تورم‌های بالای 20 درصدی در کشور رخ داده است، رشد اقتصادی شدیداً کاهش یافته است. رابطه تورم و رشد اقتصادی را می‌توان از طرف رشد اقتصادی نیز مور تجزیه و تحلیل و بررسی قرار داد. به عبارت بهتر، افزایش رشد اقتصادی که ناشی از تقویت عرضه کل اقتصاد در ایران است سبب می‌شود تا شکاف عرضه و تقاضا کاهش یافته و تورم نیز کاهش یابد.

با توجه به مشخص شدن ارتباط تورم و رشد اقتصادی به بررسی عوامل کلان موثر بر تورم و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. ابتدا به بررسی تورم پرداخته شده و سپس به بررسی رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. تورم در هر اقتصادی ناشی از زیاد بودن تقاضا نسبت به عرضه است. بنابراین عاملی در اقتصاد ایران وجود دارد که سبب می‌شود تا تقاضا در ایران تقویت شده و با عرضه کاهش یافته و به تورم دامن بزند. به نظر می‌رسد این عامل مهم، چاپ پول بیشتر از ظرفیت اقتصاد ایران است.



نمودار(2): روند سری زمانی تورم و رشد نقدینگی در ایران

روند تورم نشان می‌دهد که از سال 1357 تا سال 1379 تقریباً روند یک به یکی بین رشد نقدینگی و تورم وجود دارد. بعد از سال 1379 رشد نقدینگی به مسیر شتابان خود ادامه داده ولی تورم روند مثبت کاهشی داشته است. این نمودار نشان می‌دهد که از سال 1379 الی 1389 اختلاف رشد نقدینگی و تورم شکاف قابل توجهی را ثبت کرده است (در سال 1385 تورم افزایش و رشد نقدینگی کاهش یافته است و شکاف این دو متغیر کاهش داده است ولی این روند پایدار نبوده و مجدداً شکاف این دو متغیر افزایش یافته است). از سال 1390 الی سال 1392 تورم همسو با رشد نقدینگی افزایش یافته است. با این وجود، این روند قطع شده و شکاف بین این دو متغیر از سال 1392 تا سال 1397 افزایشی بوده است و بعد از سال 1397 تورم هم‌راستا با رشد نقدینگی افزایش یافته است. نکته بسیار مهم در ارتباط رشد نقدینگی و تورم سال 1397 به بعد، رشد بالای سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) از رشد نقدینگی بوده است. با توجه به نمودارهای اشاره شده به نظر می‌رسد رشد نقدینگی در پاره‌ای از سال‌ها بیش از یک واحد تورم را افزایش داده و در برخی از سال‌ها مانند دهه 80، با شدت و ضریب کمتری تورم را افزایش داده است. بر این اساس، لازم است تا سایر آمارهای اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و روند آنها در چنین بازه‌هایی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از عوامل موثر بر تورم نرخ ارز است. بررسی آمارهای اقتصادی و تجربی ایران حاکی از آن است که در دوره‌هایی که تورم اندک بوده است، نرخ ارز نیز روند با ثباتی را طی کرده است. در مقابل، در دوره‌هایی که تورم به شدت بالا بوده است، نرخ ارز نیز از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.



نمودار(3): روند رشد نرخ ارز و تورم در اقتصاد ایران

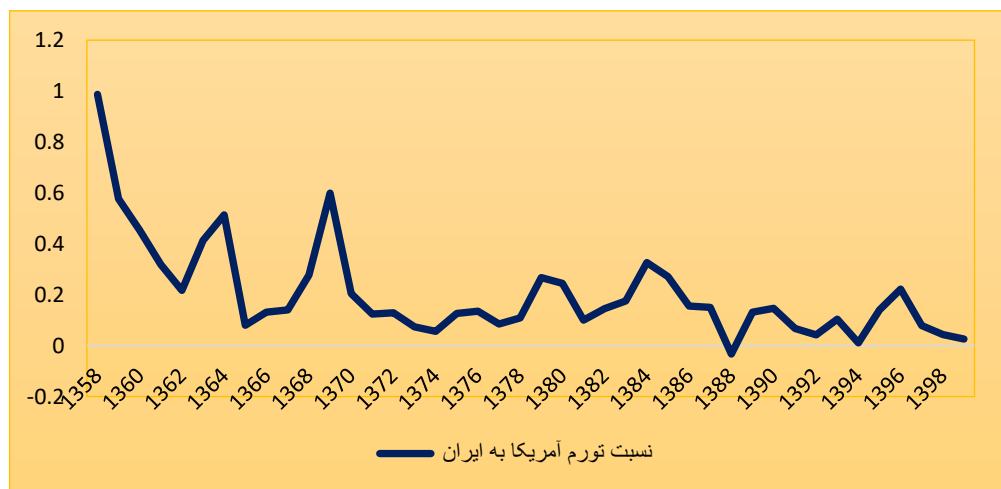
روند ارز- تورم حاکی از آن است که ارتباط مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد و هرگونه افزایش در نرخ ارز در میزان تورم منعکس شده است. در این روند نکات بسیار قابل توجهی وجود دارد. نرخ ارز تا سال 1379 با دامنه محدودی نوسان داشته است. با این وجود، در بازه زمانی 1357-1379 تنها یک بازه زمانی وجود دارد که تورم‌های شدید بر اقتصاد ایران حاکم شده است. در بازه زمانی 1357-1379 تنها ال 1374 تورم بالای 40 درصد را تجربه کرده است. در قسمت قبل مشاهده شد که رشد نقدینگی نیز در این سال به شدت بالا بوده است. در مقابل، در باز زمانی



سال 1379 الی 1400 چندین تورم بالای 30 درصد ملاحظه می‌شود. اقتصاد ایران در سال‌های 1391 و 1392 و بعد از آن سال 1397 درگیر رژیم‌های تورمی بالا است و با توجه به اینکه میانگین تورمی کشور 20 درصد است در این سال‌ها تورم‌های بالای 30 و 40 درصدی ثبت شده است. نکته بسیار مهم دیگر آن است که در سال 1374 رشد نرخ ارز دقیقاً به اندازه تورم تعدیل شده است و این در حالی است که تورم‌های دهه 90، رشد نرخ ارز به شدت بالاتر از رشد سطح عمومی قیمت‌ها یا همان تورم بوده است. به نظر می‌رسد مهمترین دلیل و تفاوت این امر آن است که در تورم و جهش ارزی سال 1374، رشد نرخ ارز در سال‌های قبل روند افزایشی داشته است ولی در روند رشد نرخ ارز در دهه 1380 کاملاً ثابت بوده و به همین دلیل اثرات تعدیل نشده نرخ ارز در دهه 90 و به دلیل وارد شوک شدن شوک‌های سیاسی بیشتر از تورم بوده است.

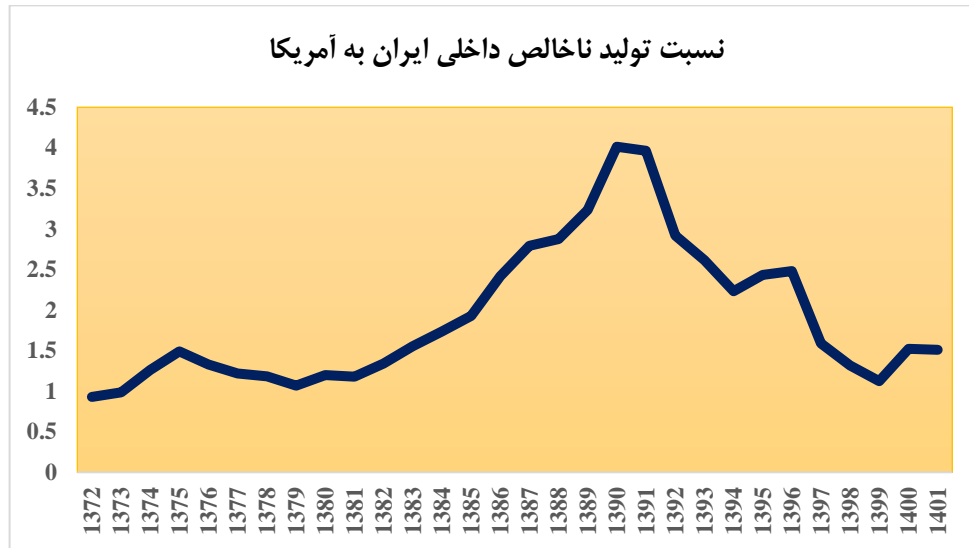
تجربیات ارزی و تورمی یاد شده از اقتصاد ایران نشان می‌دهد که نرخ ارز مانند سایر کالاها در فرآیند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تعدیل می‌شود و زمانی که سرکوب نرخ ارز در شرایط مساعد اتفاق می‌افتد نرخ ارز کمتر از سایر کالاها رشد می‌یابد و این امر سبب می‌شود که در شرایط نامساعد و شوک‌های سیاسی وارده، نرخ ارز بازدهی خوبی به جهت پایین بودن ارزش ذاتی آن داشته باشد و در این راستا سرکوب شدن نرخ ارز در سال‌های قبل منجر به فشر مضاعف به دلیل بازدهی مناسب و تقاضای بالایی وجود داشته و بستر برای جهش آن به وجود می‌آید و به محض وارد شدن شوک سیاسی نرخ ارز قیمت تعادلی خود نزدیک می‌شود (در قسمت بعد توضیح داده خواهد شد چه نوع شوک‌های سیاسی بر اقتصاد ایران تحمیل شده است).

در راستای نشان دادن اینکه چرا نرخ ارز تمایل به افزایش دارد، دلایل متعددی وجود دارد ولی شاید عمده ترین دلیل آن دو مورد باشد. ارز مسلط در اقتصاد جهان، دلار آمریکا است و بیشترین سهم ارزی در سبد ارزی ایران نیز دلار آمریکا می‌باشد. افزایش تولید و تورم آمریکا نسبت به اقتصاد ایران باشد. دومین دلیل بسیار مهم در جهش ارزی عرضه پول شدید در اقتصاد ایران که می‌تواند تقاضا برای دلار را افزایش داده و دلار را دچار جهش نماید. در این راستا ابتدا به مورد اول پرداخته می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که تورم ایران همواره بالاتر از تورم آمریکا بوده است و این دلیل بسیار محکمی در توضیح افزایش رشد دلار نسبت به ریال ایران است.



نمودار(4): روند نسبت آمریکا نسبت به ایران

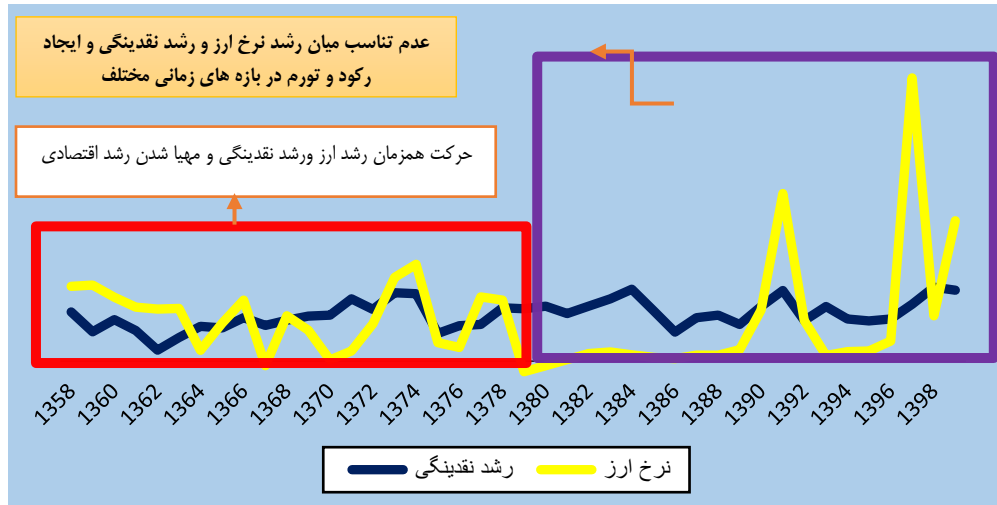
بررسی نسبت تورم آمریکا به ایران حاکی از آن است که روند آن از سال‌های ابتدایی انقلاب به مرور زمان کاهش یافته است و در برخی سال‌ها تورم آمریکا منفی بوده و تورم ایران بالا بوده است. این روند نشان می‌دهد که دلار آمریکا در طول زمان ارزش خود را در برابر ریال به شدت تقویت کرده است و ثابت نگه داشتن نرخ ارز در ایران با واقعیت جهانی همخوانی نداشته است. در مقابل آمار تورم، آمار تولید آمریکا نیز حکایت از آن دارد که دلار آمریکا در مقابل ریال ایران باید افزایش یابد. نسبت تولید ناخالص داخلی آمریکا نسبت به ایران حاکی از روند افزایشی است.



نمودار(5): روند نسبت تولید ناخالص داخلی ایران به آمریکا

طبق آمار ملاحظه می‌شود که تولید ناخالص داخلی ایران بسیار کمتر از تولید ناخالص داخلی آمریکا است و اقتصاد ایران تنها در سال‌های 1387-1391 تولید ناخالص داخلی خود را نسبت به تولید ناخالص داخلی آمریکا بهبود داده است که این بازه زمانی نیز به دلیل وفور درآمدهای نفتی کشور است و تولیدات صنعتی و کشاورزی در این بازه زمانی سهم اندکی داشته‌اند. نمودار نشان می‌دهد که از سال 1391 نسبت تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به آمریکا در یک سراسیمه قرار گرفته است و از آنجایی که ارزش پول یک کشور با تولیدات ناخالص داخلی آن سنجش می‌شود، انتظار بر آن است که نرخ ارز افزایش یابد.

دومین دلیل بسیار مهم که در نکته بالا نیز بدان اشاره گردید، چاپ پول و رشد بی‌رویه نقدینگی در ایران است. بر این اساس، رشد نقدینگی و نرخ ارز در نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار(6): روند رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز در ایران

طبق روند سری زمانی 1358-1399، میانگین رشد نقدینگی 25 درصد است. در مقابل رشد نرخ ارز در این بازه زمانی 23 درصد است. از سوی دیگر اگر میانگین نرخ ارز برای دو بازه زمانی ترسیم شود، می توان به ارتباط رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز پی برد. میانگین رشد نرخ ارز در بازه زمانی 1379-1358، 23.22 درصد است. همچنین رشد نقدینگی در بازه زمانی 1379-1358 تقریباً 22.95 بوده است. در مقابل، آمار رشد نرخ ارز برای سال 1380-1399 حدوداً 22.59 بوده و رشد نقدینگی 28.67 است. این آمار حاکی از آن است که میانگین رشد نقدینگی در رژیم دوم بالاتر از رژیم اول بوده ولی رشد نرخ ارز در رژیم دوم کمتر از رژیم اول بوده است.

ردیف	بازه زمانی	میانگین نرخ ارز	میانگین رشد نقدینگی	رشد	واریانس نرخ ارز	واریانس رشد نقدینگی
1	1358-1399	22.92	25.67	888	62.15	
2	1358-1379	23.22	22.95	275	22.95	
3	1380-1399	22.59	28.67	1611	49.37	

جدول(1): ویژگی آماری نرخ ارز رشد نقدینگی در بازه های زمانی مختلف

طبق جدول ملاحظه می شود که نرخ ارز به سمت مقدار بلند مدت خود در حال حرکت است و سرکوب مقدار آن سبب می شود که در دوره های بعدی نرخ ارز به شدت افزایش یافته و منجر به ایجاد جهش ارزی شود. بنابراین، مهمترین و کارآمدترین روش در مدیریت ارزی اقتصاد ایران، کاهش واریانس رشد نرخ ارز و اجازه تعدیل نرخ ارز بر اساس میانگین رشد نرخ ارز برای هر دوره است (نرخ ارز را می توان بصورت فصلی یا سالانه تعدیل کرد).

در راستای نشان دادن اثرات نرخ ارز بر اقتصاد کلان، مقایسه ای از میزان تغییرات نرخ ارز بر رشد اقتصادی و تورم انجام می گیرد. طبق جدول زیر مشاهده می شود که در رژیم یک متوسط تورم 20 درصد بوده است ولی در رژیم دوم متوسط



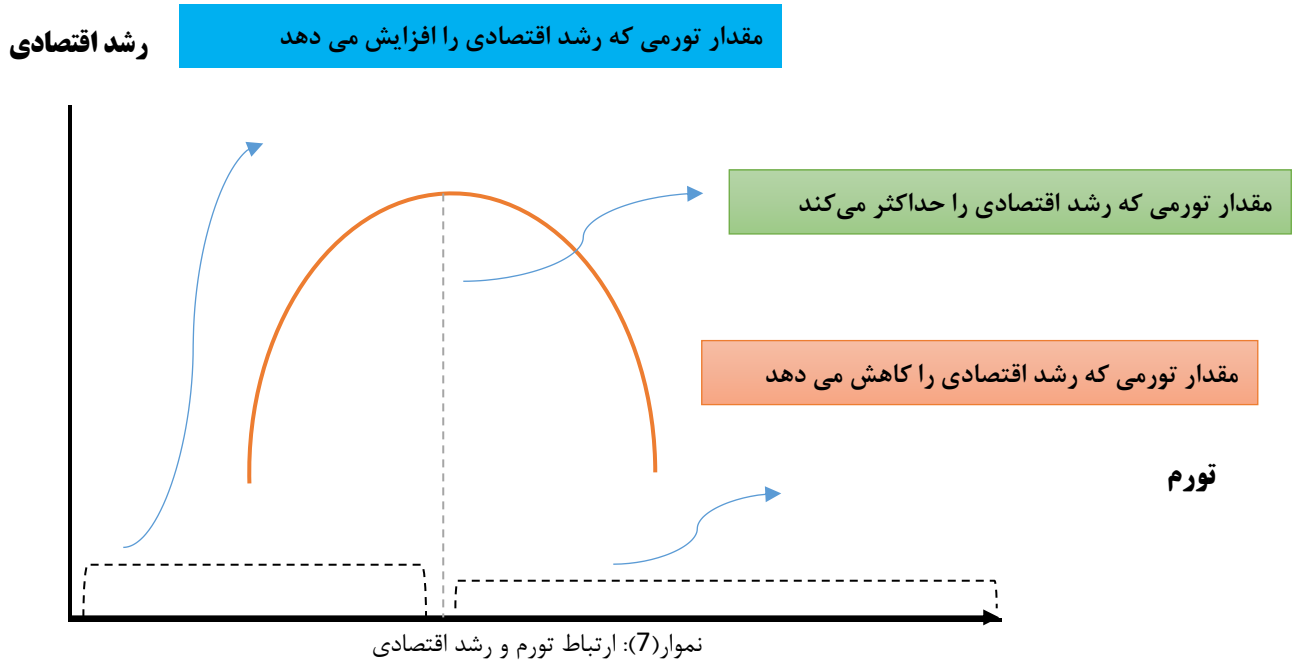
پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

تورم 28 درصد بوده است. همچنین میزان رشد اقتصادی سال 1379 نسبت به سال 1357 حدودا 40 درصد بوده است. این در حالی است که میزان رشد اقتصادی سال 1399 در مقایسه با سال 1380 تقریبا 40 درصد بوده است. این آمارها در مقایسه با رشد نرخ ارز نشانگر اثرگذاری نرخ ارز با واریانس اندک و میانگین بالا است.

ردیف	بازه زمانی	میانگین نرخ ارز	واریانس نرخ ارز	متوسط تورم	مقدار رشد اقتصادی سال آخری در مقایسه با سال اولیه
2	1358-1379	23.22	275	20	80 درصد (رشد اقتصادی سال 1379 نسبت به سال 1357)
3	1380-1399	22.59	1611	28	40 درصد (رشد اقتصادی سال 1399 نسبت به سال 1380)

جدول(2): ویژگی آماری نرخ ارز و نرخ تورم در بازه‌های زمانی مختلف

هدف اصلی از آمارهای ارائه شده ذکر این نکته است که هرگونه دستکاری نرخ ارز یا هر کالایی در راستای کنترل تورم می‌تواند فرآیند رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد. همانگونه که در ابتدای این گزارش اشاره گردید، تورم و رشد اقتصادی بصورت غیر خطی با یکدیگر ارتباط دارند و این ارتباط بصورت نمودار زیر است:



با توجه به ارتباط تورم و رشد اقتصادی، اگر میزان تورم آستانه حدود 15 درصد در نظر گرفته شود می‌توان به تبیین اثرات سرکوب نرخ ارز و جهش ارزی بر رشد اقتصادی پرداخت. در این راستا، اگر دولت بخواهد با سرکوب نرخ ارز میزان تورم را کاهش دهد، ارزان بودن ارز میزان تقاضا برای واردات را افزایش داده و این امر سبب می‌گردد تا واردات بی رویه میزان عرضه محصولات در کشور را افزایش داده و منجر به کاهش تورم شود. از آنجایی که تورم کمتر از مقدار آستانه‌ای



تنظیم شده است، رشد اقتصادی حداکثر نمی‌شود. از سوی دیگر، سرکوب شدن نرخ ارز برای چندین سال فشار مضاعفی برای تعدیل نرخ ارز وارد می‌کند و نرخ ارز تعدیل نشده برای چندین سال، به مقدار بلند مدت خود جهش نموده و سبب می‌شود تا بیشتر محصولات در کشور با شدت بیشتر افزایش یافته و تورم سنگین در کشور حاکم شود. این در حالی است که ریشه تورم در کشور پولی بوده و چاپ پول و خلق نقدینگی منجر به ایجاد تورم می‌شود و سرکوب نرخ ارز و سایر محصولات نمی‌تواند از بروز تورم جلوگیری نماید.

سوال بسیار مهمی که پیش می‌آید این است که چرا نرخ ارز در برخی سال‌ها توسط دولت و بانک مرکزی سرکوب شده و در برخی موارد شاهد ناتوانی بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز بوده‌ایم. جواب این پرسش، دلیل بسیار محکمی در راستای عدم کنترل نرخ ارز توسط دولت و تعیین نرخ ارز توسط بازار آزاد است؟.

پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی

مهمترین ویژگی اقتصاد ایران وابسته بودن آن به درآمدهای ارزی ناشی از نفت است. این ویژگی سبب شده است تا با افزایش درآمدهای نفتی، رشد کل اقتصاد ایران افزایش یافته و با کاهش درآمدهای نفتی رشد کل اقتصاد کاهش یابد. اگر رویه وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در بلند مدت مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه خواهد شد که درآمدهای نفتی دو رویکرد منفی را در ایران تقویت کرده است. در رویکرد اول؛ تبدیل دلارهای نفتی به ریال منجر به افزایش سیاست پولی در کشور شده است. از آنجایی که تورم همیشه پدیده پولی است، درآمدهای نفتی بسترسازی تورم را در کشور فراهم کرده است. در رویکرد دوم؛ افزایش درآمدهای نفتی سبب شده است تا این فرضیه در ذهن سیاستگذاران شکل بگیرد که درآمدهای ارزی همواره پایدار بوده و دولت می‌تواند با استفاده از این درآمدها هزینه‌های خود را پوشش دهد. در رویکرد اول به محض ایجاد تورم که ناشی از تبدیلات ارزهای نفتی به ریال است، واردات در کشور افزایش یافته و بعد از چند سال بیماری هلندی یا همان رکود اقتصادی در بیشتر بخش‌های اقتصادی شده است. تحت رویکرد دوم، دولت اقدام به افزایش هزینه‌های خود نموده است. این هزینه‌ها شامل افزایش در استخدام بی رویه و افزایش بودجه نهادهای دولتی بون توجه به کارکرد و بهره‌وری آنان است. بنابراین، اگر سهم درآمدهای نفتی از بودجه اقتصادی دولت کم‌رنگ کم شود، بروز دو رخداد بسیار محتمل خواهد بود. اتفاق اول، کاهش درآمدهای دولت و ثابت ماندن هزینه‌های صورت گرفته شده در دوران رونق درآمدهای نفتی است. ای عمل منجر به ایجا کسری بودجه شدید در ساختار اقتصادی دولت شده و مشکلات زیادی مانند استفاده از منابع بانک‌های تجاری و بانک مرکزی می‌شود. ثمره‌ی چنین اقدامی ناترازی شدید در بانک‌ها شده و زمینه لازم برای ورود بانک‌های تجاری در فعالیت‌های غیر مولد در راستای کاهش ناترازی بانکی ایشان شده است و در نتیجه افزایش خلق نقدینگی و تورم ثمره آن است. در رویکرد دوم، ارزهای موجود نیز در پوشش هزینه‌های جاری دولت مورد استفاده قرار گرفته و ارزی برای تولید کنندگان و صادر کنندگان باقی نمی‌ماند و از آنجایی که اقتصاد ایران به محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای وابسته است، بحران ارزی زمینه ساز رکود در کشور می‌شود. برآیند این دو رویکرد نتیجه‌ای **جز تورم-رکودی** در نبود منابع درآمدهای نفتی در کشور نداشته است.

اینکه چرا درآمدهای ارزی دولت کاهش می‌یابد بستگی به بسیاری از عوامل داخلی و خارجی دارد. عوامل داخلی می‌تواند ناشی از روحیه استکبارستیزانه سیاستگذاران جمهوری اسلامی باشد که چندان مورد استقبال قدرتهای حاکم بر جهان



نبوده و با استفاده از استراتژی‌های گوناگون سعی در کاهش درآمدهای نفتی دولت و کنترل نقش ایران در سیاست‌های حاکم بر جهان باشد. عوامل خارجی نیز ناشی از کاهش قیمت نفت و گذر از انرژی‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک باشد. به همین دلیل، اقتصاد ایران نیازمند آن است که سبب صادراتی خود را از منابع نفتی به سمت منابع غیر نفتی متنوع سوق دهد. اگر اقتصاد ایران بتواند به این سمت حرکت نماید، نه تنها تورم در کشور کنترل می‌شود بلکه رشد اقتصادی نیز تقویت شده و می‌توان شاهد یک اقتصاد سالم رقابتی باشیم.

وجود صادرات غیر نفتی سبب می‌شود تا اقتصاد ایران در تولید محصولات گوناگون مزیت نسبی به دست آورده و با در دست گرفتن بازارهای مختلف جهان زمینه همکاری‌های مختلف د تمامی حوزه را فراهم نموده و نقاط ضعف اقتصاد کشور را نیز با چنین همکاری‌هایی پوشش داد. از سوی دیگر، وجود سبب متنوع صادراتی، این امکان را به اقتصاد می‌دهد که دولت همواره منابع پایدار درآمدی داشته و بتواند با اطمینان بیشتر بودجه ریزی داشته و اهداف کلان کشور پیش ببرد.

با توجه به موارد بیان شده، اتاق بازرگانی تبریز به بررسی و رصد عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی پرداخته است. گزارش حاضر ابتدا به نحوه فرآیند پایش موانع صادرات غیر نفتی پرداخته و با انجام مصاحبه از صادرکنندگان و شناسایی 5 عامل موثر بر صادرات غیر نفتی، ارتباط این عوامل با تحلیل‌های قسمت قبل را مشخص می‌نماییم.

همانگونه که اشاره شد، حرکت اقتصاد ایران از اقتصاد متکی نفتی به یک اقتصاد پویای تولید محور، نیازمند توجه به تولید و صادرات غیر نفتی است. اتاق بازرگانی تبریز درصدد است تا با شناسایی عوامل مخرب در کاهش این فاکتور مهم نقش پیرنگی را در پویا کردن اقتصاد ایران داشته باشد. اتاق بازرگانی تبریز با برگزاری بیست و شش همایش در مورد صادرات غیر نفتی سعی نموده است تا رسالت اصلی خود در صنعتی سازی و تولید محور کردن اقتصاد ایفا نماید. با چنین رویکردی، اتاق بازرگانی تبریز در راستای برگزاری بیست و هفتمین همایش صادرات غیر نفتی و بهره‌مند شدن از نتایج همایش صادرات غیر نفتی اقدام به پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی و مشخص کردن محورهای همایش نموده است.

در مرحله اول پایش، تمرکز در بررسی عواملی که در دوره‌های گذشته محورهای اصلی همایش بوده است می‌باشد. در این مرحله موارد زیر برای تحلیل و بررسی بیشتر توسط کمیسیون صادرات، اساتید دانشگاهی، شورای گفتگو و مرکز پژوهش شناسایی گردید:

- 1) عدم توجه به علم بازار سنجی
- 2) عدم توجه به علم بازاریابی بین المللی
- 3) نبود محتوای آموزشی به روز و کافی علم صادرات در دانشگاه‌ها
- 4) مستهلک شدن و عدم وجود تجهیزات حمل و نقل
- 5) نبود زنجیره‌های لجستیکی
- 6) قوانین دست و پا گیر مربوط به مشکلات تعهدات ارزی
- 7) عدم وجود کانال‌های انتقال مالی بین المللی به دلیل تحریم‌های بانکی
- 8) تحریم بین المللی و ایجاد هزینه‌های اضافی از قبل تحریم



- 9) مدیریت نامناسب گذرگاه‌های مرزی
- 10) وجود مقررات پیچیده و مبهم در حوزه صادرات
- 11) اولویت نداشتن دیپلماسی اقتصادی در سفارتخانه‌های وزارت امور خارجه
- 12) عدم برگزاری نمایشگاه‌ها و پاپیون‌ها
- 13) عدم وجود مشوق‌های صادراتی کارآمد
- 14) عدم همکاری سازمان ملی استاندارد با اتاق‌های بازرگانی و برگشت خوردن کالاهای صادراتی به دلیل عدم رعایت استانداردهای کیفی کشور هدف
- 15) به روز نشدن تجهیزات سرمایه‌ای که ضمن افزایش هزینه‌های تولید، شکاف فناوری شدیدی بین شرکت‌های داخلی و خارجی را به وجود آورده است
- 16) تورم‌های ماندگار و شدید ایران و عدم وجود تورم در کشورها، رقبا و شرکای تجاری ایران که وضعیت رقابت پذیری صادرکنندگان داخلی را به شدت کاهش داده است.
- 17) تورم‌های ماندگار و شدید ایران و عدم وجود تورم در کشورها، رقبا و شرکای تجاری ایران که ریسک سرمایه‌گذاری در کشور را افزایش داده است.
- 18) عدم وجود سیاستگذاری مناسب در حوزه تنظیم نرخ ارز که با سرکوب ارزی موجبات تضعیف قدرت رقابت پذیری و با جهش ارزی بستر لازم برای افزایش هزینه تولید صادرکنندگان را فراهم آورده است.
- 19) ضعف در زیر ساخت‌های حمل و نقل و پایانه‌های صادراتی کشور
- 20) عدم هماهنگی قوانین تجارت داخلی با قوانین کشورهای هدف صادرات و مواجه شدن صادرکنندگان با مشکلات حقوقی
- 21) در اولویت نبودن تامین نقدینگی شرکت‌های صادراتی و تولیدی
- 22) عدم وجود و جذب سرمایه گذار خارجی در ایران
- 23) عدم وجود بسترهای الکترونیک در راستای توسعه تجارت الکترونیک
- 24) عدم توجه به صنعتی شدن اقتصادی
- 25) مناسب نبودن میزان سطح دستمزدها در ایران (مهاجرت نیروی کار به دلیل کم بودن نرخ دستمزد در ایران)
- 26) وجود پدیده فرار سرمایه
- 27) مهاجرت کارآفرینان و نخبگان اقتصادی
- 28) ازدیاد قوانین و مقررات در حوزه صادرات
- 29) تاخیر در پرداخت ارزش افزوده توسط دولت
- 30) عدم مدیریت صحیح درآمدهای نفتی و تهاثر نفت با کالاهایی که کشور در تولید و صادرات آن کالاها مزیت دارد



- (31) عدم وجود سازو کارهای مناسب در گمرک جهت ارسال به موقع کالاها (مخصوصا کالاهای فساد پذیر)
- (32) استفاده از ارزهای نفتی برای پوشش هزینه‌های جاری و عدم خرج کرد آن در زیر ساخت‌های اقتصادی
- (33) عدم توجه به تعامل با دنیا
- (34) عدم توجه به تعداد رایزن‌های بازرگانی در کشورهای دیگر
- (35) عدم توجه به تجربیات کشورهای موفق در حوزه صادرات
- (36) عدم توجه به موفقیت صادرکنندگان داخلی و بی توجهی به اشتراک گذاری دانش و تجربیات موفق صادرکنندگان داخلی

با مشخص نمودن موانع مهم در تقویت صادرات غیر نفتی، در مرحله بعد با برگزاری جلسات و رصد شرایط فعلی اقتصاد ایران توسط هیات نمایندگان صاحب نظر در حوزه صادرات، اساتید متخصص در حوزه صادرات و کارشناسان حوزه صادرات اتاق بازرگانی تبریز، 10 مانع مهمی که در توسعه صادرات غیر نفتی ایفا نقش دارند به شرح زیر مشخص گردید:

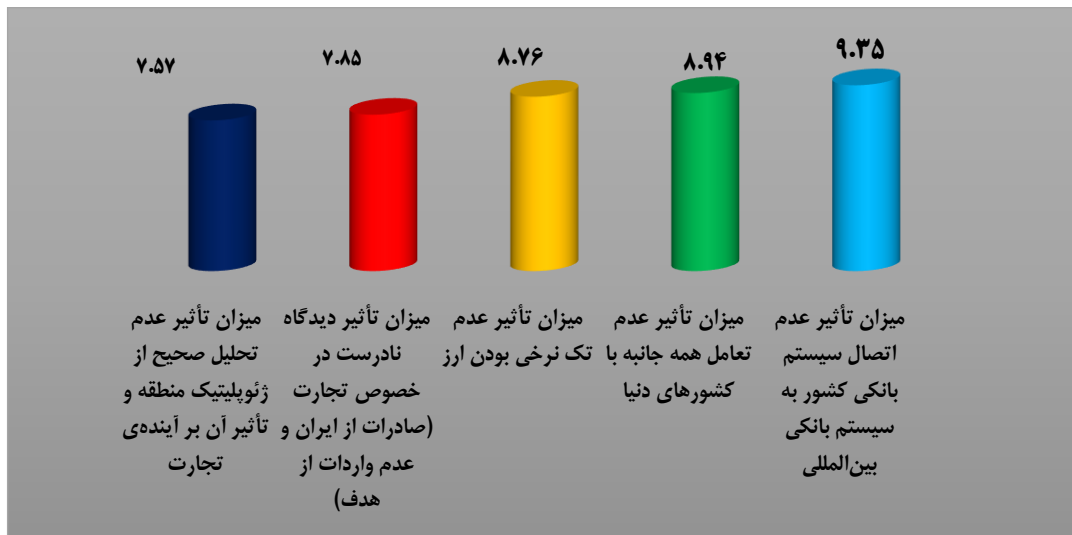
- 1) **میزان تأثیر عدم تک نرخی بودن ارز**
- 2) **میزان تأثیر عدم تعامل همه جانبه با کشورهای دنیا**
- 3) **میزان تأثیر عدم وجود زیرساخت‌های حمل و نقل**
- 4) **میزان تأثیر مشکلات و موانع موجود در گمرک**
- 5) **میزان تأثیر عدم اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی**
- 6) **میزان تأثیر دیدگاه نادرست در خصوص تجارت (صادرات از ایران و عدم واردات از هدف)**
- 7) **میزان تأثیر عدم توانمند بودن شرکت‌های کوچک و متوسط در خصوص صادرات محور بودن**
- 8) **میزان تأثیر عدم آشنایی با دیجیتال مارکتینگ و روش‌های تجاری نوین**
- 9) **میزان تأثیر عدم وجود کنسرسیوم‌های صادراتی**
- 10) **میزان تأثیر عدم تحلیل صحیح از ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر آن بر آینده‌ی تجارت**

بعد از مشخص نمودن 10 مانع مهم در شرایط فعلی اقتصاد ایران، فرم نظر خواهی تدوین گردیده و بصورت تلفنی از صادرات کنندگان استان مصاحبه‌ای مبنی بر رتبه بندی این عوامل 10 گانه صورت گرفت. در راستای تعیین اولویت‌های مهم از نظر صادر کنندگان، 270 صادر کننده مورد نظر خواهی قرار گرفتند. بر اساس مصاحبه انجام گرفته شده، 149 نفر همکاری داشته و نظر خود را در مورد عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی را بیان نمودند.

بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میزان تاثیر عدم اتصال سیستم بانکی کشور به سیستم بانکی بین‌المللی مهمترین مشکل موثر در توسعه صادرات غیر نفتی است. بررسی آمارها حاکی از آن است که از 149 صادرکننده، 126 صادرکننده این عامل را مهمترین مانع توسعه صادرات غیر نفتی بیان کرده‌اند. دومین مانع مهم در توسعه صادرات غیر نفتی، عدم تعامل همه جانبه با کشورهای جهان است. سومین مانع موثر بر صادرات غیر نفتی از منظر تولید کنندگان، به عدم تک نرخی بودن ارز اشاره دارد. چهارمین مانع موثر توسعه صادرات غیر نفتی، میزان تأثیر دیدگاه نادرست در خصوص

تجارت (صادرات از ایران و عدم واردات از هدف) می‌باشد. در ادامه تحلیل نتایج، آمارها حاکی از آن است که میزان تأثیر عدم تحلیل صحیح از ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر آن بر آینده‌ی تجارت 5 امین عامل موثر بر صادرات غیر نفتی است.

آمار مصاحبه شونده‌ها نشان می‌دهد که میزان تأثیر عدم آشنایی با دیجیتال مارکتینگ و روش‌های تجاری نوین در رتبه 6 ام از موانع موثر بر صادرات غیر نفتی است. در رتبه 7 ام میزان تأثیر عدم وجود کنسرسیون‌های صادراتی و در رتبه 8 ام زیر ساخت‌های حمل و نقل قرار دارند. میزان تأثیر عدم توانمند بودن شرکت‌های کوچک و متوسط در خصوص صادرات محور بودن از نظر اهمیتی در رتبه 9 و مشکلات کمرگی کم اهمیت ترین مانع از نظر صادرکنندگان محسوب شده است. شایان ذکر است برای رتبه بندی موانع از میانگین نمرات اعمال شده برای هر سال استفاده گردید و میانگین موانع به شرح زیر است:



نمودار(8): 5 مانع مهم در تقویت صادرات غیر نفتی

در ادامه این گزارش دلایل فنی و علمی 5 مانع موثر بر صادرات غیر نفتی تشریح می‌گردد:

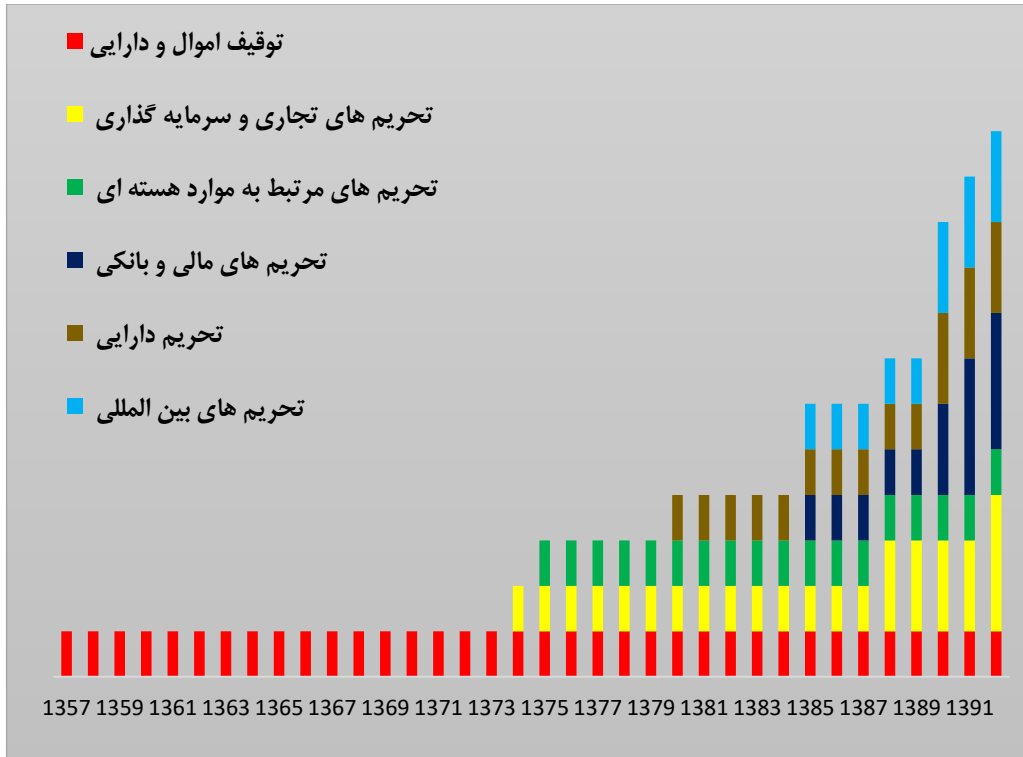
تحریم بانک‌های ایران و عدم همکاری سیستم بانکداری جهان با سیستم بانکی ایران

رونق سرمایه‌گذاری و تولید این بخش بیش از هر چیز نیازمند فضای امن و با ثبات است. تحریم اقتصادی و تحریم بانک‌ها، ریسک کشوری و هزینه‌های تحمیل شده را افزایش می‌دهد. به علاوه، اعمال تحریم‌های متوالی در حوزه‌های مختلف، امنیت و آرامش را از اقتصاد کشور سلب می‌نماید و زمینه را برای خروج سرمایه‌ها از کشور فراهم می‌سازد. در میان تحریم‌هایی که از سالیان گذشته فضای اقتصاد را ملتهب نموده، تحریم بانک‌ها بیش از دیگر تحریم‌ها، فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه فعالیت بخش خصوصی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. همچنین تحریم علیه بانک‌های ایرانی، به دلیل نگرانی از بابت امنیت صادرات، ریسک اعتباری مرادات با ایران را بالا برده و نرخ پوشش بیمه صادرات کالا رو به افزایش است و این مورد منجر به افزایش هزینه‌ها و قیمت نهایی کالاهای صادراتی به ایران می‌شود. اعمال تحریم علیه بانک‌های ایرانی باعث شده است که شرکت‌های ایرانی که در زمینه خرید و فروش کالا با کشورهای خارجی فعالیت



می‌کنند، ناگزیر شوند در فقدان پشتوانه بانکی، مشکلات را دور بزنند و از طریق واسطه‌ها و دلان کشورهای ثالث گشایش اعتبار کنند. مستقیم‌ترین پیامد چنین کاری، بالا رفتن هزینه معامله و صرف زمان طولانی برای رسیدن به اهداف و تأثیر منفی بر کیفیت و زمانبندی آنها است. آنچه روشن است، این است که بخش بزرگی از انرژی مفید تولیدکننده‌ها و شرکت‌های داخلی، به جای جریان یافتن در روند تولید و توسعه، به فرسایش زمانی می‌گذرد. این وضعیت، علاوه بر ایجاد بار تورمی، تولیدکنندگان را تحت فشار قرار می‌دهد و از حاشیه سود آنها می‌کاهد و حتی چه بسا هزینه‌های تمام شده برای آنان بیش از قیمت فروش باشد. طبیعی است که در چنین شرایطی، تولیدکنندگان نتوانند طبق انتظارات قبلی به تعهدات مالی خود در برابر بانکها عمل نمایند و بازپرداخت تسهیلات دریافتی با تأخیر مواجه می‌شود. شایان ذکر است اعمال تحریم، شرکت‌ها را در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از بانک‌ها و تأمین‌کنندگان سرمایه داخلی دچار مشکل می‌کند. لذا تولیدکنندگانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق فاینانس و یوزانس تأمین می‌کنند، با تنگنا مواجه می‌شوند و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرایند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده تولید نمایند. از اینرو، احتمال می‌رود که به دلیل عدم تحقق منابع مالی لازم و بالطبع، عدم تحقق درآمدهای انتظاری، قادر به بازپرداخت تسهیلات بانکی در موعد مقرر نخواهند بود و پرداخت تسهیلات ریالی آنها نیز با تعلل مواجه می‌شود. در راستای بررسی اهمیت تحریم‌های بانکی بر میزان صادرات، لازم است ضمن توجه به تئوری‌های بحث شده، اثرگذاری آن از حیث تجربی نیز مورد توجه قرار گیرد. طبق گزارش وزارت خزانه داری آمریکا 5 نوع تحریم بعد از انقلاب اسلامی بر کشور اعمال شده است. این 5 تحریم عبارت است از: تحریم دارایی‌ها، تحریم تجاری و سرمایه‌گذاری، موارد مربوط به انرژی هسته‌ای، توقیف اموال و دارایی‌ها و تحریم مالی و بانکی است. شایان ذکر است این 5 تحریم توسط سازمان ملل و اتحادیه اروپا در بازه زمانی مختلف تشدید شده است.

تحریم‌های اقتصادی ایران تا سال 1392 ادامه دار بوده ولی بعد از سال 1392 و انجام مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام، این روند تا سال 1397 ادامه دار بوده ولی بعد از سال 1397 روند تحریم ایران به سال 1392 بازگشته است.



نمودار(9): روند سری زمانی انواع تحریم های اعمال شده بر علیه اقتصاد ایران

طبق نمودار بازه زمانی تحریم به شرح زیر است:

توقیف اموال و دارایی: از سال 1357 تا به الان

تحریم تجاری و سرمایه گذاری: از سال 1374 تا به الان

تحریم های مرتبط به موارد هسته ای: از سال 1375 تا به الان

تحریم های مالی و بانکی: از سال 1385 تا به الان

تحریم دارایی: از سال 1380 تا به الان

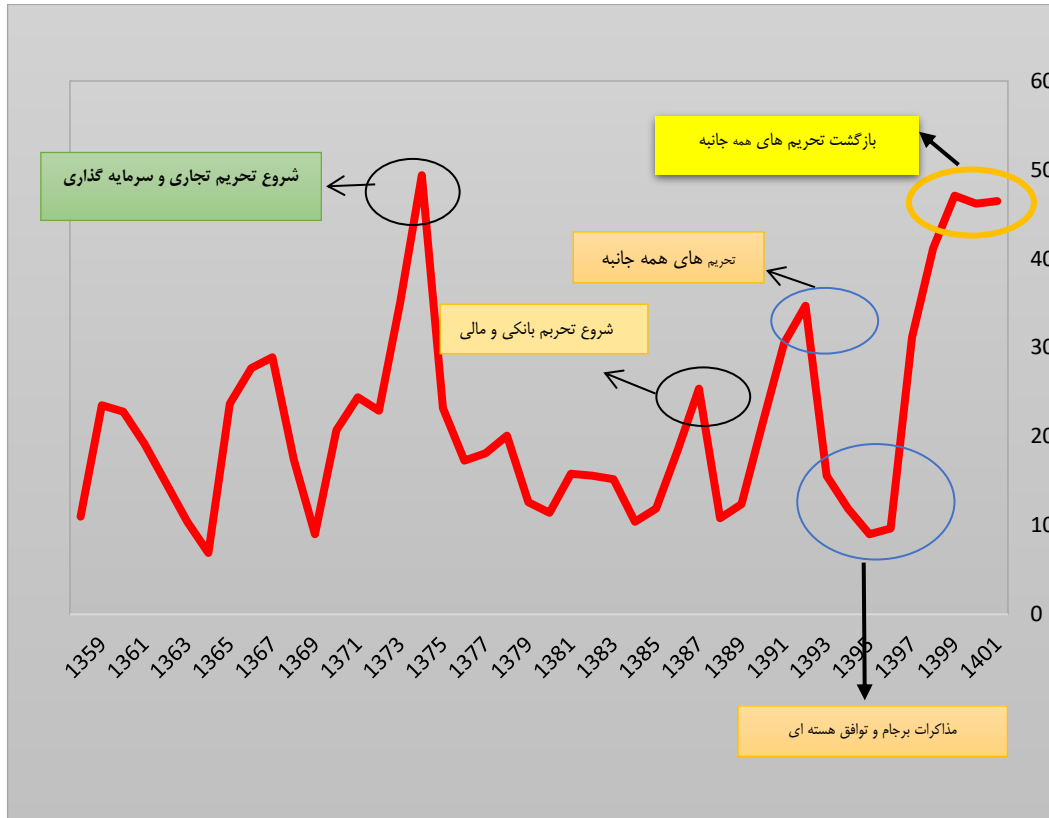
در بین تمامی تحریم ها دو مورد بسیار حائز اهمیت است: تحریم مالی - بانکی و تحریم تجاری و سرمایه گذاری. این دو تحریم در سه بازه زمانی تشدید شده اند. تحریم مالی و بانکی ابتدا سال 1385 بعد در سال 1390 تشدید و در سال 1391 با شدت فراوانی تحریم شده است. همچنین تحریم سرمایه گذاری از سال 1374 شروع شده و از سال 1390 همانند تحریم بانکی با شدت بیشتری تحریم شده است.

طبق روند تورم چند سال به خصوص وجود دارد که کاملاً با تحریم های اقتصادی مرتبط است. سال 1374 که برای اولین بار تحریم های تجاری و سرمایه گذاری بر علیه ایران اعمال شده است. همچنین سال 1386 که روند تورم به شدت تقویت شده است. با دقت در روند تحریم ها مشاهده می گردد که در اواخر سال 1385 تحریم های بانکی بر علیه ایران اعمال شده است و این عمل منجر به افزایش هزینه و تورم در کشور است.



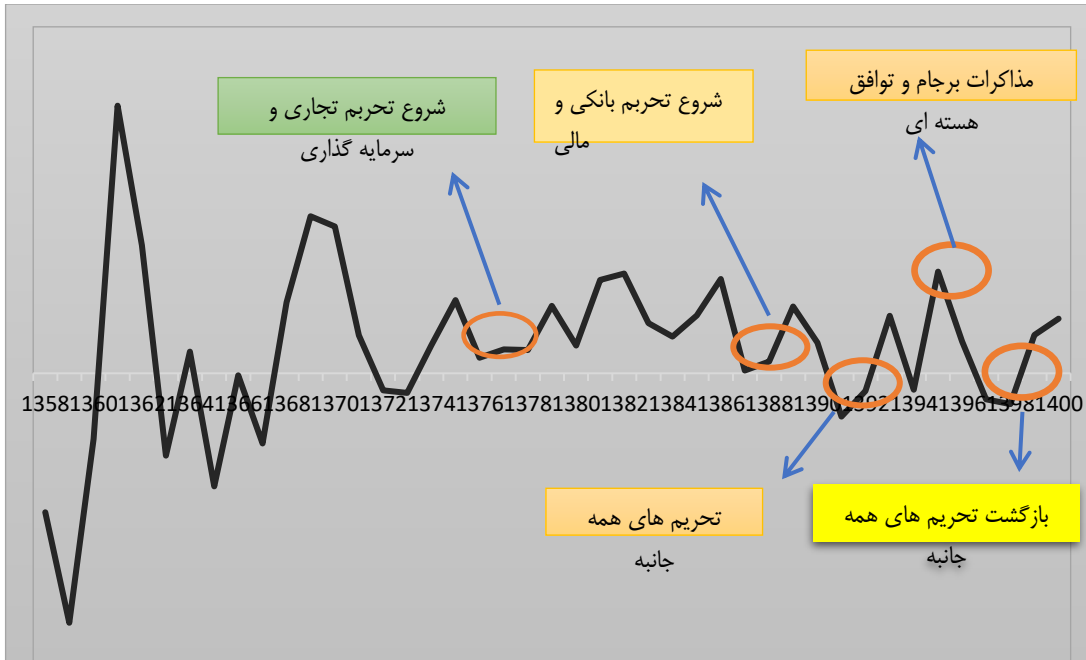
پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

همچنین افزایش شدید تورم در سال 1390، 1391 و 1392 کاملاً مشهود است و دلیل عمده این امر، تشدید شدن تمامی موارد تحریمی بر علیه اقتصاد ایران است. شایان ذکر است تحریم‌های سال 1391 و 1392 بعد از سال 1397 مجدداً اعمال شده است و تورم‌های شدید بعد از این سال بر تحریم شدن ایران دلالت دارد.



نمودار(10): تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم ایران

یکی از تفاوت‌های واضح تورم با رشد اقتصادی آن است که رشد اقتصادی فرآیندی بلند مدت است و هر قدر اندازه‌ی اقتصاد یک کشور قدرتمند باشد، تضعیف آن اقتصاد نیازمند زمان بیشتری است. ملاحظه می‌گردد تحریم تجاری سال 1374 در سال 1376 و سال 1377 نمایان شده است. همچنین تحریم بانکی سال 1385 در سال 1386 نمایان شده و تحریم سال 1390 و 1391 و سال 1392 فوراً رشد اقتصادی را کاهش داده است. این آمارها دلالت بر آن دارد که تحریم‌های بانکی و تجاری در طول زمان، فرصت سرمایه گذاری بلند مدت از کشور را گرفته است و رونق اقتصادی در کشور از بلند مدت به کوتاه مدت تبدیل شده است. طبق روند رشد اقتصادی از سال 1374 تا سال 1386 تولید همواره روند مثبتی را طی کرده است و نشانگر تقویت اندازه اقتصادی کشور بوده است. با این حال، این روند دهه 1390 کاملاً متفاوت بوده است و رشد اقتصادی مثبت معمولاً با یک رشد اقتصادی منفی همراه بوده است.



نمودار(11): تاثیر تحریم های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران

تعامل با جهان و توسعه صادرات

در جهان امروز مزیت نسبی یکی از مهمترین مولفه های موثر بر تقویت تولید داخلی و صادرات است. این مفهوم بدین معنی است که کشورها باید در تولید محصولاتی که رقابت پذیری و مزیت فراوانی دارند اهتمام ویژه ای به خرج داده و با تعطیل کردن محصولاتی که خارجیان نسبت به آن مزیت فراوانی دارند، تولیدات داخلی و اقتصاد ملی را تقویت نمایند. مبرهن است که کمتر کشوری در جهان پیدا می شود که بتواند و بخواهد همه محصولات مورد نیاز خود را در داخل کشور تولید نماید. از سوی دیگر احتمال تولید همه محصولات در هر کشور امر نشدنی بوده و برای تولید محصولات مورد نیاز بشر باید تمامی کشورها باید یکدیگر تعامل مناسبی داشته باشند. امروزه در تولید محصول خاصی بیش از 50 کشور قطعات مورد نیاز را تهیه می نمایند و حذف هر عضو از این عضو منجر به عدم کارایی در تولید آن محصول خواهد شد. اقتصاد ایران با داشتن ظرفیت های بالقوه در اقتصاد، دارای معایبی فراوانی نیز است و این امر نیازمند آن است که از تکنولوژی و فرایند تولید سایر کشورها نیز بهره برداری شود تا تولیدات داخلی رقابت پذیری خود را افزایش دهد. به عنوان مثال اقتصاد امروز ایران در تولید محصولات کشاورزی، صنایع غذایی، تولید انرژی پاک نیازمند واردات تکنولوژی هایی است که کشور در خلق آنها با مشکل روبرو است. بنابراین، فراهم آوردن بستر مناسب در راستای تعامل با جهان و ترغیب کردن دنیا به همکاری با اقتصاد ایران می توان پتانسیل های اقتصاد ایران را آشکار نموده و فعلیت بدان ببخشد. از سوی دیگر، مباحث برندینگ، بازاریابی و افزایش سهم بازاری محصولات صادراتی نیازمند تعامل با دنیا است. این امر به وضوح آشکار است که برخی از محصولات ایران دارای مزیت رقابتی بسیار بالایی نسبت به محصولات خارجی هستند ولی به دلیل مهیا نبودن و عدم اجازه برخی از کشورها به حضور ایران در بازار آنها، فرصت های صادراتی از بین می رود. در آمارهای قسمت قبل ملاحظه گردید که تحریم های بانکی و تجاری که توسط ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا اتخاذ شده است چگونه منجر به تخریب اقتصاد ایران شده است. در این راستا، تعامل با جهان کاملا در ارتباط مستقیم با تحریم های اقتصادی است. با این حال می توان از یک زاویه دیگر این مورد را تجزیه و تحلیل کرد.



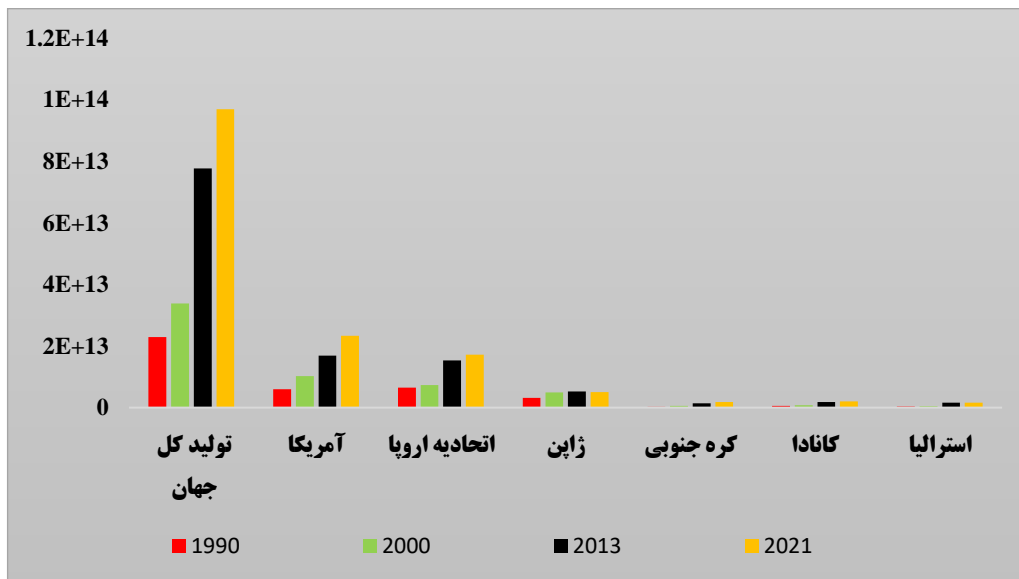
پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

در راستای تعامل با جهان، لازم است لیست کشورها و سازمان‌هایی که ایران را تحریم کرده‌اند مورد بررسی قرار داد. طبق گزارش رسمی کشورها، کشور ما توسط کشورها و سازمان زیر تحریم شده‌اند.

ردیف	کشور یا سازمان تحریم کننده	بازه زمانی شروع تحریم
1	ایالات متحده آمریکا	1995-2023
2	سازمان ملل	2015-2006
3	اتحادیه اروپا	2001-2022
4	انگلیس	2020
5	ژاپن	2010 و 2016
6	کره جنوبی	2010 و 2016
7	کانادا	2001-20107
8	استرالیا	2010-2021
9	رژیم صهیونیستی	2011 تا الان

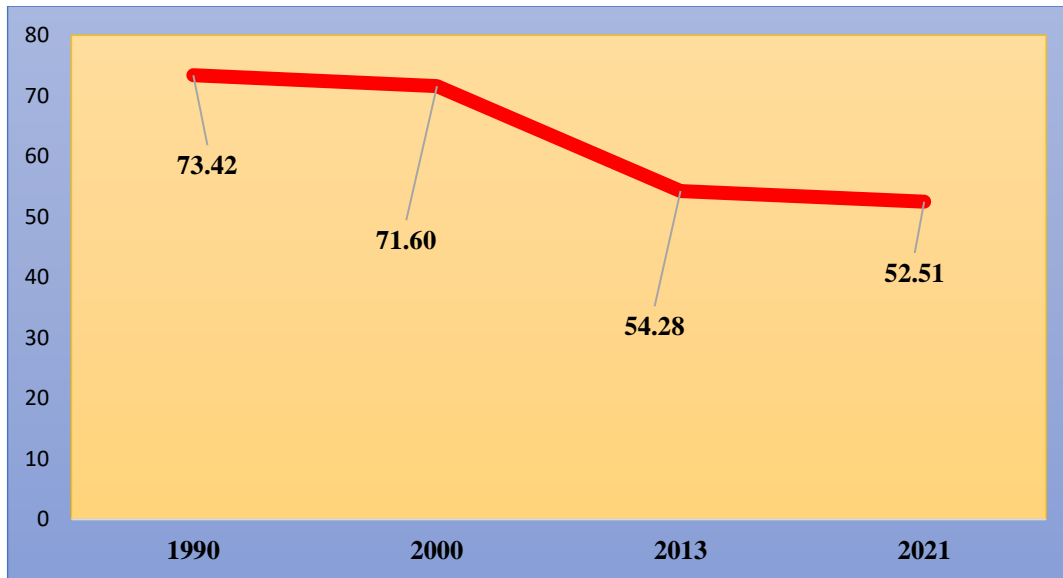
جدول (2): کشورهای تحریم کننده ایران

از دومیار می توان اهمیت تعامل با این کشورها که نقش مهمی در ارتباط اقتصادی با سایر کشورها دارند را برجسته کرد:



نمودار (12): مقایسه تولید داخلی ایران با تولید داخلی جهان و کشورهای تحریم کننده ایران

اگر مجموع تولید داخلی کشورهای تحریم کننده ایران محاسبه شود ملاحظه می‌گردد که بیش از 50 درصد تولیدات جهان در این کشورها تولید می‌گردد و حتی این میزان در برخی از بازه زمانی بیشتر از 70 درصد بوده است.



نمودار(13): سهم تولید ناخالص داخلی کشورهای تحریم کننده ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی جهان

بنابراین اگر فرض بر آن باشد که دیگر کشورهای جهان نیز با کشورهای تحریم کننده ایران همکاری نداشته و همچنین کشور ما نیز با آنها همکاری تجاری دارند، اقتصاد ایران با 48 درصد ظرفیت اقتصاد همکاری خواهد داشت و این به منزله از دست دادن سهم بازاری بسیار بالایی است که می‌تواند در شکوفایی و متنوع کردن سبد صادراتی ایران مفید واقع شود.

از سوی دیگر آمارها حکایت از آن دارند که کشورهای تحریم کننده ایران به شدت کشورهایی باز بوده و سهم تجارت بالایی با تمامی کشورهای دنیا دارند و این به منزله آن است که قدرت چانه زنی کشورهای اروپایی و آمریکایی برای عدم تجارت با کشوری که با ایران تمایل به همکاری دارد به شدت بالا است و مسلم است که سایر کشورها نیز سعی میکنند با کشورهایی که از نظر اقتصادی قدرتمند هستند همکاری تجاری داشته باشند(برای مشاهده میزان باز بودن کشورها به سایت wdi مراجعه کرده و داده‌های trade openness را مشاهده نمایند). توصیه سیاستی برای افزایش ظرفیت اقتصادی ایران تعامل همه جانبه با کشورهای تحریم کننده و آماده سازی بستر لازم برای همکاری اقتصادی با کل جهان

میزان تأثیر دیدگاه نادرست در خصوص تجارت (صادرات از ایران و عدم واردات از

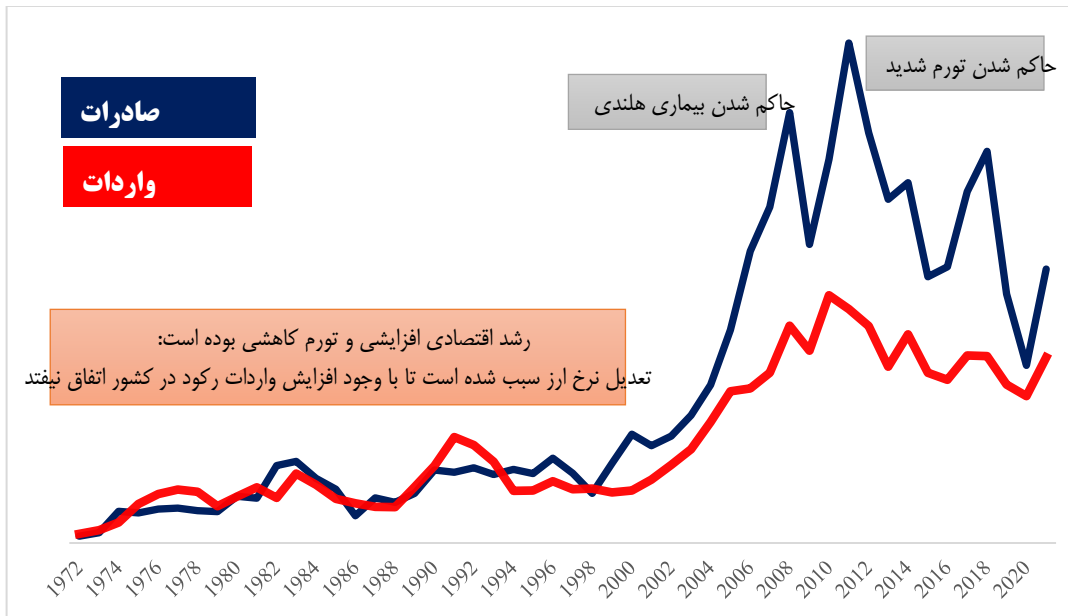
هدف)

استراتژی توسعه جایگزینی واردات اساساً یک استراتژی حمایتی است و این موضوع سبب می‌گردد تا با حمایت از برخی از صنایع داخلی که این حمایت‌ها در دوره طولانی مدت صورت می‌گیرد و صنعت به آن عادت میکند توان رقابتی به شدت کاهش یافته و عملاً امکان نوآوری و ابداع در صنعت مذکور از بین برود. یکی از ابزار مورد عمل در کاربرد استراتژی مذکور اعمال محدودیت‌های وارداتی از طریق افزایش تعرفه‌ها می‌باشد و از آنجایی که تعرفه‌ها برای دولت درآمدزا هستند به تدریج دولت به این درآمدها وابسته میشود و برای دولت در مراحل بعدی توسعه که کاهش تعرفه ضروری است صرفنظر کردن از این درآمدها بسیار مشکل خواهد بود به همین دلیل



پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

گاهی حمایت‌ها افراطی و فاقد ساختار منطقی می‌گردد. از دیگر دلایل نامطلوب بودن استراتژی جایگزینی واردات، پرهزینه بودن این روش و عدم استفاده بهینه از منابع تولید است. در واقع، حمایت از یک صنعت با توجه به اینکه در مقیاس بزرگی تولید صورت نمی‌گیرد هزینه سرانه تولید را بالا می‌برد و این امر توجیه پذیری تولید کالا را در ابعاد بین‌المللی از بین می‌برد. استراتژی جایگزینی واردات چنانچه در صنایع وسیعی بکار گرفته شود نتایج مطلوبی نخواهد داشت و یکی از دلایل عدم موفقیت این استراتژی کاربرد سیاستهای حمایتی عام و بدون تبعیض بوده است. در حالیکه باید میان صنایع بالغ و صنایع نوزاد تفکیک قائل شد - از دلایل مهم دیگری که به عنوان عامل شکست این استراتژی توسعه بر شمرده می‌شود غفلت از صادرات است، زیرا این استراتژی یک استراتژی درون‌نگر است و چنانچه تولیدات و صنایع مورد حمایت معطوف به بازار داخلی باشند هیچ موفقیتی را برای کشور به ارمغان نخواهند آورد ضمن اینکه انگیزه‌های برای رقابت با کالاهای مشابه داخلی بوجود نخواهد آمد. در حالی که اگر الزام به فروش و عرضه کالاها در بازارهای بین‌المللی وجود داشته باشد و حمایت از صنایع صادرات‌گرا صورت پذیرد میتوان به بهبود کیفیت و یا کاهش قیمت و افزایش توان رقابتی در صنعت مورد نظرامیدوار بود. یکی دیگر از مسائلی که در بکارگیری این استراتژی بوجود می‌آید و خاص هرگونه حمایتی است وجود رانتهای فراوانی است که عملاً باعث انحراف سبدهای حمایتی به نفع گروههای فشار می‌گردد.



نمودار(14): روند حجم صادرات و واردات به میلیون دلار؛ ماخذ: countryeconomy.com

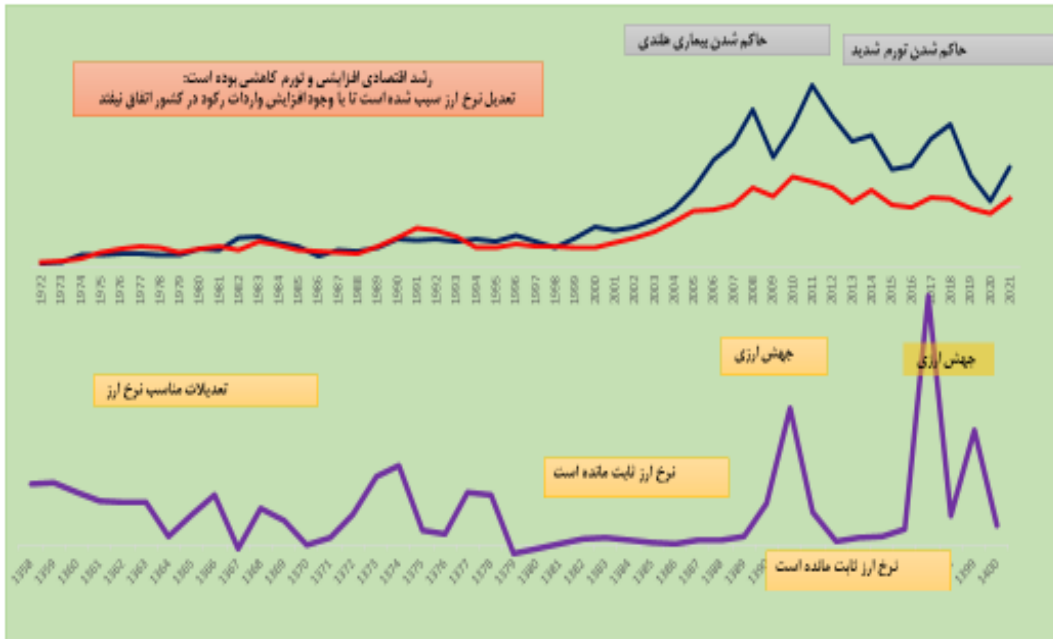
روند حجم تجارت خارجی ایران در بازه زمانی 1960 تا 2021 نشان می‌دهد که افزایش صادرات (به دلیل افزایش درآمد نفتی) با افزایش واردات همراه بوده است. طبق نمودار مشخص است که میزان حجم تجارت خارجی در شرایط - های مختلف دچار تغییر شده است. به عنوان مثال در سال‌های 1390، 1389 و 1391 بالاترین حجم صادرات و واردات به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ثبت شده است. در حالیکه بعد از اعمال تحریم بر علیه کشور ایران، این میزان به شدت کاهش یافته و از مقدار 132 میلیارد دلار به مقدار 70 میلیارد دلار صادرات در سال 1395 رسیده است. این شرایط سپس به دلیل توافق برجام بهبود یافته و به مقدار 103 میلیارد دلار صادرات در سال 1398 رسیده است ولی به دلیل نقض توافق و اعمال تحریم، مجدداً دچار کاهش یافته است. روند حجم تجارت گویای این است که همواره



شوکه‌های مختلفی بر اقتصاد تحمیل شده است. این شوک‌ها از دو نظر بسیار قابل توجه هستند. اولین مورد آن است که کیفیت شوک‌های تجاری مشابه نبوده است، بطوریکه در بعضی از مواقع به دلیل افزایش درآمدهای نفتی شوک مثبت بر اقتصاد وارد شده است. در حالیکه اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌های متنوع، شوک منفی را تجربه کرده است. دومین مورد مهم، آن است که شدت شوک‌های تجاری در بازه زمانی مختلف متفاوت بوده است. بطوریکه درآمدهای نفتی طی سال‌های 1384 تا 1392 آمار قابل توجهی را ثبت کرده است. از سوی دیگر، ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی، شوک منفی را تجربه کرده است. تحریم‌های اقتصادی از لحاظ شدت به سه بازه 1979-2005 در مرحله دوم 2005-2009 و تحریم‌های همه جانبه که بعد از سال 2009 اعمال شده، تقسیم بندی شده است. با توجه به توضیحات مختصر در مورد اثرات شوک‌های تجاری بر اقتصاد، لازم است تا ابزاری معرفی گردد که توانایی مدیریت شوک‌های تجاری را داشته باشد و از این طریق ضمن تقویت آثار مثبت شوک‌های تجاری، آثار شوک‌های منفی را خنثی نماید. در ادبیات اقتصاد کلان اشاره شده است که نرخ ارز ارتباط دهنده اقتصاد بیرون با اقتصاد داخلی است و نحوه تعیین نرخ ارز تاثیر غیر قابل انکاری بر اقتصاد دارد. مهمترین ویژگی نرخ ارز در ارتباط با باز بودن تجارت و متغیرهای کلان اقتصادی، مدیریت شوک‌های خارجی است. تأثیر تجارت خارجی بر اقتصاد عمدتاً از طریق کانال‌های شوک خارجی کار می‌کند، بطوریکه رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر می‌تواند بعنوان یک جاذب شوک خارجی، کار کند. در مورد بهبود و ویژگی جذب شوک‌های خارجی رژیم‌های ارز انعطاف‌پذیر، وقتی نرخ واقعی ارز یا قیمت‌های نسبی با شوک خارجی تغییر پیدا می‌کنند، تغییرات اتوماتیک در نرخ ارز اسمی و رژیم‌های انعطاف‌پذیر تغییرات لازم را در نرخ ارز واقعی ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان بیان کرد که اثرات شوک‌های خارجی ناشی از بالا بودن حجم تجارت خارجی می‌تواند توسط یک رژیم انعطاف‌پذیر کاهش یابد (برودا 2004)¹. تحت رژیم‌های انعطاف‌پذیر شوک منفی سبب می‌شود که تقاضای داخلی و فروش بنگاه‌ها در بازار داخلی به دلیل افزایش نرخ ارز کاهش یابد. با این حال یک کاهش واقعی در ارزش پول ملی، رقابت‌پذیری شرکت‌ها را در بازارهای خارجی افزایش می‌دهد. در یک اقتصاد باز که تعداد زیادی از تولیدکنندگان با کالاهای قابل فروش فعالیت می‌کنند. این رقابت‌پذیری افزایش می‌یابد و منجر به جبران تقریبی اثر کاهش تقاضای داخلی کشور می‌شود. بنابراین در یک اقتصاد نسبتاً باز رژیم‌های انعطاف‌پذیر شوک بیشتری را نسبت به رژیم‌های ثابت جذب می‌کنند. در مقابل در یک اقتصاد بسته که در آن کالاهای غیر قابل فروش غالب می‌شود، رژیم نرخ ارز ثابت بهتر هستند. زیرا آنها اجازه کاهش بهای واقعی را نمی‌دهند. این مفاهیم نشان می‌دهند که در کشورهای نسبتاً باز رژیم‌های انعطاف‌پذیر بعنوان یک جذب شوک، بهتر عمل می‌کنند و ثبات اقتصادی بهتری را منجر می‌شوند و زمانیکه درجه حجم تجارت اندک است، رژیم ارزی ثابت منجر به ثبات مالی و اقتصادی بیشتر می‌شود.

با توجه به موارد بیان شده، می‌توان بیان کرد که در دوره‌ی که حجم تجارت‌تأثر مثبت بر رشد اقتصادی و تاثیر منفی بر تورم داشته، نرخ ارز از تعدیلات مناسبی برخوردار بوده است.

¹ Broda



نمودار(15): مقایسه روند رشد نرخ ارز و حجم تجارت خارجی و اثرات آن بر اقتصاد

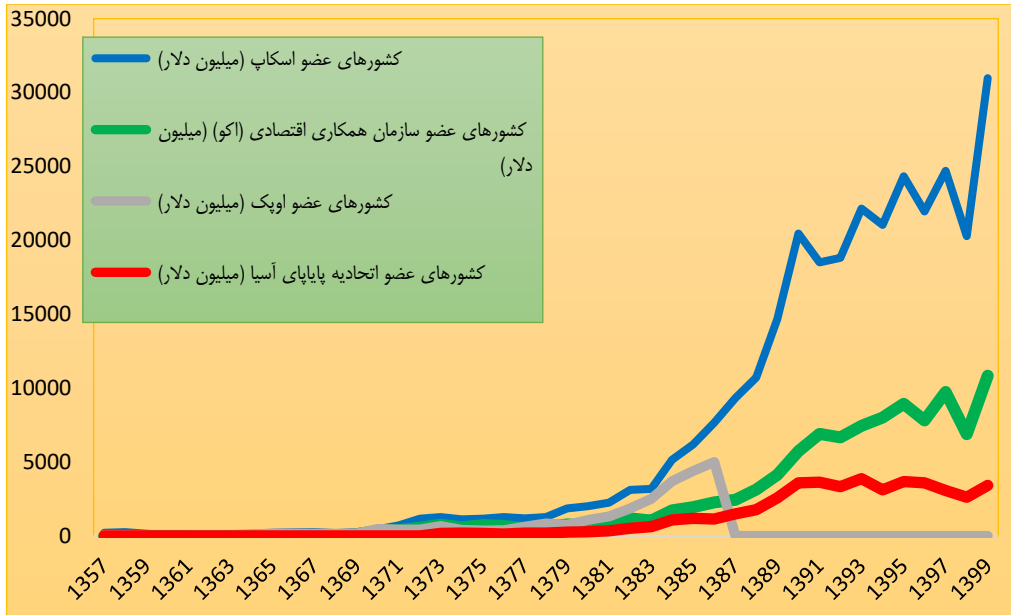
میزان تأثیر عدم تحلیل صحیح از ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر آن بر آینده تجارت

امروزه کشورهای دنیا در روابط خارجی خود با توجه به منافع ملی و ارزیابی‌هایی که از قدرت‌های پیرامونی و یا رقیب خود دارند، تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از عوامل ژئوپلیتیکی و سایر عوامل مؤثر بر قدرت ملی نسبت به اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای راهبرد دفاع ملی خود اقدام نمایند. در واقع درک صحیح از نقش عوامل ژئوپلیتیکی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری راهبرد دفاعی یک کشور بگذارد. با توجه به اینکه بخش اعظم منابع، ابزار و مؤلفه‌های قدرت ملی یک کشور، عوامل ژئوپلیتیکی هستند، طراحی راهبرد دفاعی مطلوب برای هر کشور، بدون توجه به عوامل ژئوپلیتیکی، به خصوص عوامل اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود. رویکردهای نوین در روابط و تعاملات بین‌المللی بیانگر نقش آفرینی ویژه مؤلفه‌های قدرت نرم به خصوص عوامل اقتصادی و میزان تسلط بر گلوگاه‌های آن و تعیین حوزه‌های نفوذ در سطح بین‌المللی است. عوامل و بسترهای مناسب ژئوپلیتیک اقتصادی می‌تواند باعث به وجود آمدن ارزش‌های مشترک و همگرایی و ایجاد مناسبات حسنه و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای گردیده و کشورها می‌توانند با بسترسازی و مدیریت مناسب و به موقع و به کارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال، فرصت‌های بسیار خوبی را برای خود در آن منطقه مهیا نمایند و عدم بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها نیز می‌تواند باعث واگرایی در سیستم روابط و مناسبات کشورها گردد. استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران که می‌تواند در توسعه اقتصادی و فراهم ساختن بستر برای توسعه صادرات غیر نفتی بسیار مثمر ثمر باشد.

یکی از مهمترین مزیت‌های منطقه اقتصادی ایران، قرار گرفتن در همسایگی کشورهایی است که می‌تواند مقصد و بازار هدف صادراتی ایران باشد. از یک سو قرار گرفتن در مجاورت کشورهای نفتی که درآمد سرشار ارزی دارند از سوی دیگر نزدیکی به کشورهایمانند پاکستان و هند که دارای جمعیت بسیار بالایی بوده و می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را تقویت نماید.

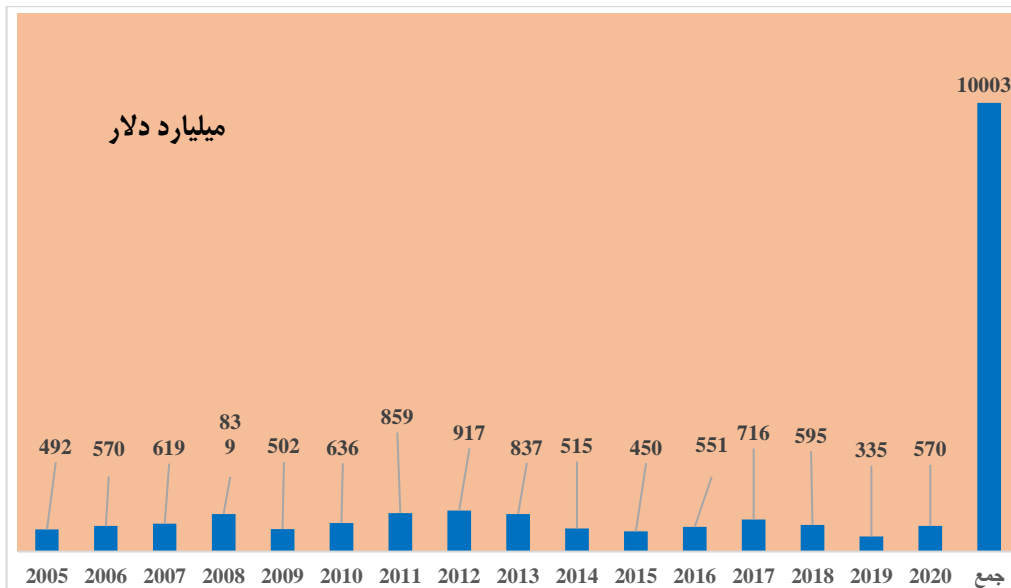


پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز



نمودار(16): روند حجم تجارت ایران با گروه‌های تجاری

طبق نمودار ملاحظه می‌گردد شرکای اصلی تجاری ایران کشورهای عضو اسکاپ، اکو، اوپک و اتحادیه پایاپای آسیا هستند. در بین این کشورها، میزان تجارت با کشورهای عضو اوپک بسیار قابل توجه است. در جدول زیر میزان عایدات حاصل از درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک ترسیم شده است.

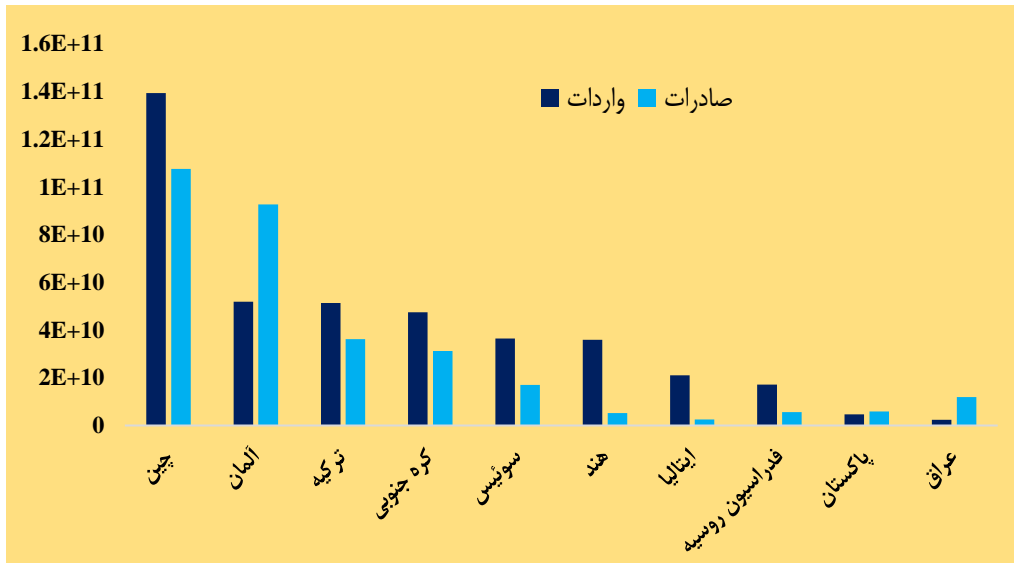


نمودار(17): روند درآمدهای نفتی کشورهای خلیج فارس

طبق برآورد صورت گرفته از سال 1384 الی 1399، مجموعاً 10 هزار میلیارد دلار درآمدهای حاصل از عایدات نفتی بوده است. در مقابل چنین درآمدی که نشانگر قدرت خرید بسیار بالای کشورهای عضو اوپک بوده و بازار بسیار مهمی



برای صادرات محسوب می‌شود، کشورهای کمتری از این گروه جزو شرکای تجاری ایران هستند. از سال 1385 الی 1399 ده شریک اصلی تجارت ایران به شرح زیر می‌باشند.



نمودار(17): روند حجم تجارت ایران با به تفکیک کشورها

شریک اول تجاری ایران، کشور چین است. آمارهای صادرات و واردات به این کشورها حاکی از آن است میزان واردات بیشتر از میزان صادرات بوده است. در بین این کشورها، عراق تنها کشور نفتی است که میزان صادرات به آن کشور بالا بوده و نشانه‌ای از فعال بودن اقدامات تجاری بین سایر کشورهای عضو اوپک وجود ندارد. در بین 10 شریک تجاری اصلی ایران، کشور آلمان و کشور عراق تنها کشورهایی هستند که میزان صادرات بیشتر از واردات بوده است. در مقابل چنین آماری، شواهد حاکی از آن است که عمده شرکای اصلی ایران از نظر تولیدات ناخالص داخلی وضعیت مناسبی دارند. همچنین، از آنجایی که بیشتر تولیدات این کشورها در مقابل صادرات نفت وارد کشور می‌شود و برای دولت مهم است که این محصولات را در بازار داخلی به فروش برساند، تولید کنندگان داخلی در معرض تهدید تولیدات شرکای تجاری ایران قرار دارد و هر گونه سیاستگذاری اشتباه در ماسئل اقتصادی و مخصوصاً نرخ ارز بر علیه تولید و صادرات غیر نفتی کشور تبدیل خواهد شد.

مزایای تک نرخی بودن ارز در ایران تحت نرخ ارز بازار آزاد:

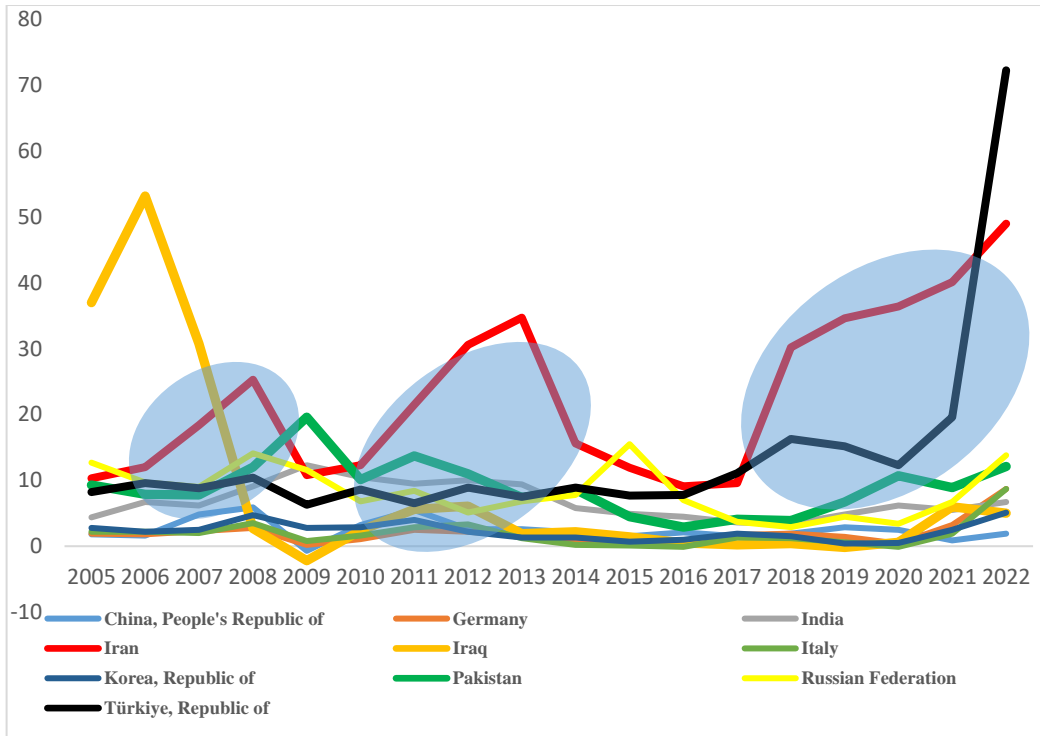
1. تورم بالا در ایران تهدیدی بر علیه تولیدات داخلی است.

تک نرخی بودن ارز و حرکت به سمت سیستم ارزی شناور از آنجایی با اهمیت است که اگر تورم در کشوری کمتر از جاهای دیگر باشد در این صورت صادرات در آن کشور رقابتی‌تر شده و باعث افزایش ارزش پول آن کشور می‌شود. با توجه به اینکه در اکثر سال‌ها کشور ایران در مقایسه با کشورهای دیگر تورم بالایی داشته است، اتخاذ سیستم‌های ارزی ثابت منجر به این می‌شود که قیمت کالاهای خارجی برای چندین سال در کشور ایران ثابت بماند و اجازه ندهد که تورم کشورهای خارجی بر کشور وارد شود، در حالی که قیمت محصولات داخلی با توجه به تورم داخلی هر سال افزایش می‌یابد. سیستم ارزی ثابت سبب شده است تا تورم داخلی میزان رقابت پذیری تولید داخلی را کاهش داده و با اعمال این سیاست در سال‌های متوالی قدرت رقابتی تولید داخلی کاهش یافته و با عملاً از صحنه رقابت جهانی خارج شده



پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

است و جای خود را به محصولات وارداتی ارزان قیمت بدهد. در این راستا دولت می‌تواند با اعمال رژیم ارزی شناور و با تعدیل شدن نرخ ارز با توجه به تورم داخلی، میزان قدرت رقابت پذیری تولیدات داخلی را در مقابل محصولات خارجی تقویت کرده و میزان تولید و رشد اقتصادی را افزایش دهد. در نمودار زیر مقایسه‌ای از تورم ایران و شرکای اصلی ایران در حوزه تجارت خارجی به عمل آمده است. طبق این نمودار ملاحظه می‌گردد که تورم در ایران همواره بالاتر از شرکای اصلی بوده است.



نمودار(19): مقایسه تورم ایران با تورم شرکای تجاری ایران

از سال 1384 تا الان، تورم ایران همواره بالاتر از تورم شرکای تجاری خود بوده است. در سال 1384-1387 تنها کشور عراق تورمی در ج ایران را تجربه کرده است. از سال 1389-1394 ایران با اختلاف بسیا زیادی تورم بالایی نسبت به شرکای اصلی داشته است. از سال 1397 تا الان کشور ترکیه متوسط تورمی نیزدیک به ایران داشته است. این موارد نشانگر تضعیف رقابت پذیری تولید کنندگان داخلی در مقابل تولیدات خارجی است و با ثابت نگه داشتن نرخ ارز این وضعیت تشدید می‌شود.

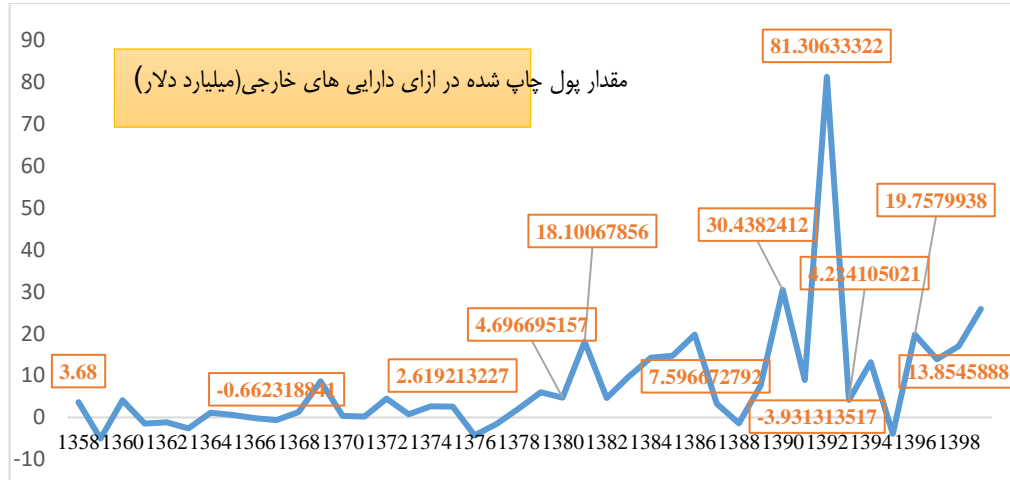
ثابت نگه داشتن نرخ ارز و بسترسازی برای ایجاد تورم و رکود

در اقتصاد ایران بزرگترین عرضه‌کننده ارز در بازار ارز کشور، بخش دولتی است؛ به طوری که در مواقع کاهش درآمدهای نفتی، استقرار از بانک مرکزی یکی از منابع عمده افزایش نقدینگی است، در مواقع افزایش درآمدهای نفتی با توجه به اینکه معمولاً به اندازه ارز حاصل شده در نرخ‌های رایج ارز، مشتری در بازار وجود ندارد، نرخ‌های ارز تمایل به کاهش دارند (مازاد عرضه در نرخ‌های ثابت). از سوی دیگر، دولت به دلیل نیازهای بودجه‌ای، ارز حاصل از درآمدهای نفت را به بازار عرضه کرده و با دخالت بانک مرکزی در بازار ارز، از کاهش نرخ ارز (عمدتاً نرخ دلار در برابر ریال) جلوگیری می‌کند. این کار به معنی افزایش پایه پولی و تورم است. اگر بانک مرکزی به نرخ‌های ارز اجازه دهد که انعطاف پذیری بیشتری داشته باشند و در مقابل کنترل خود را بر روی پایه پولی افزایش دهد، شوک‌های بازار نفت به



پایش عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر مدیریت نرخ ارز

صورت افزایش پایه پولی و تورم به اقتصاد ایران منتقل نمی‌شوند. در مقابل، افزایش نرخ ارز سبب می‌شود تا بانک مرکزی در بازار ورود کرده و با تزریق دلار و جمع آوری نقدینگی، مشکلات تامین نقدینگی را فراهم آورد. سپردن نرخ ارز به بازار آزاد استقلال پولی زیادی به بانک مرکزی می‌دهد و بانک مرکزی را در رسیدن به اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی افزایش می‌دهد.



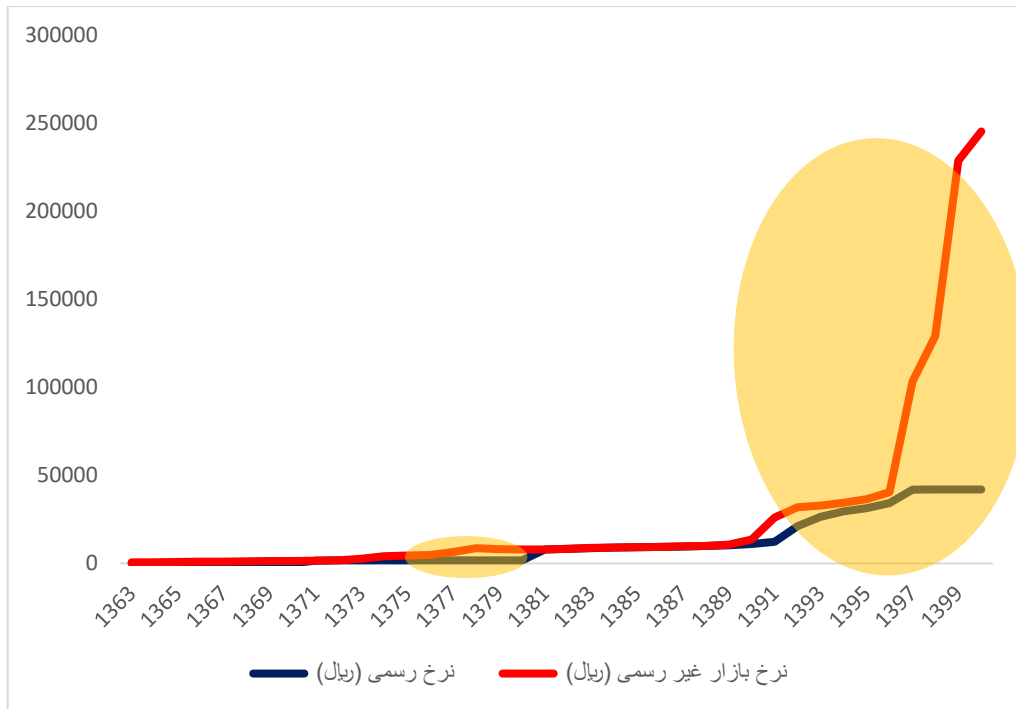
نمودار (20): تاثیر سیستم ارزی ثابت بر سیاست پولی ایران

طبق نمودار بعد از سال 1379، ارزهای حاصل از منابع مختلف توسط دولت و بانک مرکزی به ریال تبدیل شده است. از آنجایی که منابع ارزی در کشور زیاد است، ارزی که سبب خلق پول شده و زمینه تورم را فراهم ساخته است، سبب می‌شود تا تقاضای افزایش یافته برای واردات تورم را سرکوب نماید. در این رویکرد، ثابت نگهداشتن نرخ ارز سبب ایجاد سه مرحله شده است. اول باعث چاپ پول شده سپس منجر به ایجاد تورم شده، تعدیل نشدن ارز بر اساس تورم واردات را افزایش داده و قدرت رقابت پذیری تولید کنندگان کاهش یافت است. کنترل نرخ ارز توسط دولت و بانک مرکزی اثرات خود را با وقفه نشان داده و در سال‌های انتهایی دهه 80 و ابتدایی سال 90 رکودی اقتصادی را در کشور رقم زده است. مساله کنترل نرخ ارز به اینجا ختم نمی‌شود بلکه، با اعمال تحریم‌ها نه تنها تقاضا برای واردات به دلیل ارزان بودن دلار به وجود می‌آید، بلکه به عنوان یک دارایی مطمئن در پوشش تورم نیز تقاضا افزایش می‌یابد و نرخ ارز ثابت نگه داشته شده در دوره‌های قبل به دلیل بازدهی بالا به شدت جهش پیدا می‌کند. این جهش در سال 92 منجر به ایجاد تورم رکودی در کشور می‌شود.

این مساله نشان می‌دهد که دولت باید به محض افزایش تقاضا برای واردات اجازه تعدیل شدن نرخ ارز را داده و ضمن کاهش واردات ارزان، از تضعیف رقابت پذیری تولیدات داخلی نیز جلوگیری به عمل آورد.

ثابت نگه داشتن نرخ ارز و بسترسازی برای ایجاد فساد

قبل از پرداختن به این مساله که نرخ ارز چگونه باعث ایجاد رانت و فساد می‌شود، لازم است روند سری زمانی نرخ ارز در ایران ترسیم شود.



نمودار (21): روند سری زمانی نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ارز رسمی

طبق روند سری زمانی مشاهده می‌شود که در دو بازه زمانی اختلاف بین ارزش نرخ رسمی و نرخ بازار غیر رسمی وجود داشته است و در بقیه سال‌ها ارز تک نرخ در کشور حاکم بوده است. در دهه 90 دو سیاست در قبال نرخ ارز رسمی و غیر رسمی به وجود آمده است.

اولین سیاست بعد از سال 1397 به وجود آمد که دولت وقت به تخصیص ارز 4200 اقدام کرد. این ارز سبب شد تا دولت در مواقعی با خرید ارز از نیما و عرضه آن با نرخ دولتی، ضمن کاهش قدرت خرید دولت، رانتی را برای واردکنندگانی که با استفاده از ارز دولتی به واردات پرداخته و کالای وارداتی را با قیمت بالاتر از ارز دریافتی عرضه نموده‌اند فراهم شود. این رویکرد یک عارضه مخرب دیگری نیز دارد. زمانی که دولت نتواند از عهده تامین عرضه ارز دولتی بر بیاد اقدام به حذف نرخ ارز می‌نماید. در این راستا، کالاهایی که قبلاً با ارز دولتی وارد می‌شدند به بهانه افزایش ارز، قیمت کالا را بیشتر از قیمت حقیقی آن بالا برده و زمینه ساز فساد و رانت در اقتصاد می‌شود.

دومین سیاست مربوط به تعهدات ارزی است. در قسمت قبلی اشاره گردید که تورم موجود در ایران تهدیدی اساسی برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان است. تورم از آنجایی برای صادرکنندگان مهم است که سبب می‌شود هزینه‌های تولید بالا رفته و نیازمند تعدیل در قیمت تولیدات خودشان باشند. در این راستا افزایش قیمت محصولات منجر به کاهش قدرت رقابت پذیری آنان در برابر رقبای خارجی می‌شود. از سوی دیگر، گران نکردن محصولات، حاشیه سود تولیدات داخلی را پایین آورده و منجر به ورشکستگی بنگاه‌های داخلی و تولیدکنندگان می‌شود. در چنین فضایی از اقتصادی چند نرخ می‌شود تا صادرکنندگان برای تولید اقدام به تهیه ارز با نرخ دلار بازار آزاد نمایند و از سوی دیگر بعد از فروش و صادرات، ارز حاصله را با نرخ کمتری از مقدار حقیقی آن تحویل بانک مرکزی دهد. این رویکرد دقیقاً مشابه تورم بوده و هزینه مضاعف بر صادرکنندگان تحمیل می‌نماید. این وضعیت سبب می‌شود تا واردکننده



بیشترین سود را به دست آورده و صادرکنندگان تمایلی به تجارت نداشته باشند. برای داشتن دید واضح از معایب تعهدات ارزی، موارد زیر تشیح می‌گردد و نشان می‌دهد که چرا باید این سیاستگذاری حذف شود و نیازی به مداخله در بازار ارز و سیاست‌های صادراتی نیست.

✓ کاهش انگیزه صادرات

بخشی از هزینه‌های تولید و صادرات اعم از خرید نهاده‌ها و حمل و نقل براساس قیمت بازار آزاد محاسبه می‌شود و فروش ارز حاصل از صادرات به نرخ نیما به معنی ضرر صادرکننده است.

✓ تبدیل صادرات در خدمت واردات به جای واردات در خدمت صادرات

بسیاری از صادرکنندگان برای تقویت رقابت پذیری نیازمند آن هستند که هر چند سال یکبار تکنولوژی‌های تولید خود را ارتقاء دهند. در این راستا، نگه داشتن مقداری از ارز برای سال‌های آتی و سرمایه‌گذاری بلند مدت طبیعی است. تعهدات ارزی سبب می‌شود تا این امر مهم و تغییرات تکنولوژی تولید که بیشتر مختص صادرکنندگان است با چالش جدی مواجه شود. صادرکنندگان ارز خود را به واردکنندگان داده و با توجه به سودآوری بالای واردات ارز را خرج کرده و از چرخه اقتصاد خارج می‌نمایند. ای در حالی است که واردات باید به نحوی باشد که تقویت صادرات را منجر شود.

✓ تعهد ارزی بیشتر تقویت کننده فرار سرمایه است تا تضعیف آن (رانت ارزی در واردات است)

هدف از ایجاد تعهد ارزی جلوگیری از هدر رفت ارز کشور و با گرداندن آن به چرخه اقتصاد است. با این حال، صادرکنندگان تنها به درآمدهای ارزی خودشان دسترسی دارند و با فروش محصولات خود در خارج کسب درآمد می‌کنند. این در حالی است که واردکنندگان نه تنها به درآمدهای ارزی صادرکنندگان غیر نفتی دسترسی دارند، بلکه به درآمدهای ارزی حاصل از صادر نفتی نیز دسترسی دارند. هر چقدر مقدار ارز با نرخی کمتر در اختیار واردکنندگان قرار گیرد آنها هزینه کمتری بابت دریافت ارز نموده و بستر لازم برای خروج ارز از کشور را فراهم می‌ورند. این مساله از آنجایی می‌تواند پدیده فرار سرمایه را تقویت نماید که اعطا کنندگان رانت ارزی به واردکنندگان می‌تواند شناسایی شده و واردکنندگان مورد بازخواست قرار گیرند و همین امر سبب می‌شود تا انگیزه خروج ارز از کشور با انگیزه بیشتر تقویت گردد. این در حالی است که هیچ رانتی در صادرات وجود ندارد.

جمع بندی:

اقتصاد کشور نزدیک به یک دهه است که با مشکلات رشد اقتصادی و تورم‌های شدید روبرو شده است. بررسی ساختار رشد اقتصادی و تورم در ایران حاکی از آن است که درآمدهای صادرات نفت و عدم مدیریت آن منجر به ایجاد چنین فضایی در اقتصاد کشور شده است. درآمدهای نفتی سبب شده است تا میزان هزینه‌های دولت و عرضه پول در کشور افزایش یافته و زمینه لازم برای افزایش تورم فراهم شود. از سوی دیگر، دلارهای نفتی زمینه لازم برای سرکوب نرخ ارز و افزایش واردات را فراهم آورده و بیماری هلندی یا همان رکود اقتصادی ناشی از درآمدهای نفتی را منجر شده است. از سوی دیگر، بیماری هلندی در اقتصاد با تحریم‌های شدید همراه شده و سبب شده است تا نرخ ارز مسیر چند ساله خود را طی نموده و با افزایش شدید نرخ ارز، تورم نیز به شدت افزایش یابد و رکود تورمی در کشور به وجود بیاید. شواهد آماری نشان می‌دهد میانگین رشد نرخ ارز در بلند مدت همواره نزدیک به رشد نقدینگی است و نرخ ارز زمان‌های به شدت تعدیل می‌گردد که فضای نااطمینانی در کشور حاکم شده باشد. نرخ ارز در سال‌های 1374، 1386، 1391، 1392، و سال‌های بعد از 1397 تعدیل شده است. در تمامی موارد تحریم‌های اقتصادی سبب شده است تا چنین وضعیتی در اقتصاد به وجود بیاید. این امر نشان می‌دهد که نقدینگی در فضای نااطمینانی با ضریب بسیار بالایی تورم را



افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نقدینگی‌های که در فضای ثبات سیاسی خلق شده و منجر به تقاضا نشده است به محض وارد شدن شوک سیاسی تبدیل به تقاضا شده و تورم را تشدید کرده است.

از سوی دیگر اشاره شد که حدی از تورم وجود دارد که سبب می‌گردد تا رشد اقتصادی در حداکثر مقدار خود قرار بگیرد. دستکاری نرخ ارز سبب می‌گردد تا تورم در این حد آستانه‌ای قرار نگرفته و رشد اقتصادی وضعیت مطلوبی نداشته باشد. در وضعیت ثبات، سرکوب نرخ ارز سبب کاهش تورم از مقدار تعادلی خود شده و با واردات ارزان رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. در مقابل در اثر شوک‌های سیاسی، نرخ ارز جهش داشته و احتمال تورم رکودی را به سبب افزایش بیش از حد هزینه‌های تولید بالا می‌برد. در این راستا، عدم دستکاری نرخ ارز و عدم ورود دولت و بانک مرکزی به بازار ارز و تعیین آن طبق مکانیسم بازار یکی از مهمترین سیاستگذاری است که می‌توان با فراهم آوردن و کارآمد کردن سیاست پولی در کنترل تورم و با تقویت رقابت پذیری در تقویت رشد اقتصادی مثمر ثمر واقع شد.

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تبریز



تهیه شده در مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی تبریز